

به نام خدا

هفتمین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران

ابعاد جمعیت‌شناختی تحولات خانواده در ایران

چکیده مقاله‌ها

سی و یکم اردیبهشت و اول خرداد ۱۳۹۳
تالار ابن خلدون، دانشکده علوم اجتماعی
دانشگاه تهران

دبیر همایش:
دکتر محمد میرزایی

دبیر علمی:
دکتر حسین محمودیان

دبیر اجرایی:
دکتر رسول صادقی

برگزار کننده:
انجمن جمعیت شناسی ایران

با همکاری:
دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
صندوق جمعیت سازمان ملل متحد (UNFPA)
معاونت ریاست جمهوری در امور زنان و خانواده
مرکز مطالعات و پژوهشهای جمعیتی آسیا و اقیانوسیه (PSRC)
مرکز آمار ایران
پژوهشکده آمار
سازمان ثبت احوال کشور

اعضای کمیته علمی (بر حسب حروف الفبا):

دکتر علی یار احمدی، صدرالدین بلادی موسوی، دکتر ابولقاسم پور رضا، دکتر فاطمه ترابی، دکتر حاتم حسینی، دکتر حجه بی بی رازی، دکتر زهرا رضایی قهرودی، دکتر حبیب الله زنجانی، دکتر حسن سرایی، دکتر سیدمحمد سیدمیرزایی، دکتر منصور شریفی، دکتر رسول صادقی، دکتر محمدجلال عباسی شوازی، دکتر عباس عسکری ندوشن، دکتر فریده فراهانی خلج آبادی، دکتر سیدمحمود قاضی طباطبایی، دکتر زینب کاوه فیروز، دکتر شهلا کاظمی پور، دکتر احمد کتابی، دکتر مجید کوششی، دکتر حسین محمودیان، دکتر محمود مشفق، دکتر سید فرخ مصطفوی، دکتر امیر هوشنگ مهریار، دکتر محمد میرزایی، طه نوراللهی.

اعضای کمیته اجرایی (بر حسب حروف الفبا):

محمد ترکشوند، الهام توکلی، احمد دراهکی، مرجان رشوند، سهیلا سجادی راد، محسن شکریانی، زهرا شهابی، پونه شهریار، رضا شیدانی، دکتر رسول صادقی، حسین ضرغامی، سراج الدین محمودیانی گیلان، سجاد مسگرزاده، ابوالفضل منوچهری، رضا نوبخت.

پیشگفتار دبیر همایش

خانواده سلول و هسته اولیه اجتماع و بستر اجتماعی شدن انسان‌ها در سطح خرد بوده، هست و خواهد بود. علیرغم تغییر و تحولاتی که در طول زمان و به خصوص یکی دو قرن اخیر از جهات متعدد در خانواده حاصل شده محوریت آن به عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی در سطح خرد در تمام مناطق و کشورهای دنیا به قوه خود باقی است. موضوع خانواده از ابعاد متفاوت و متنوعی می‌تواند مورد توجه، مطالعه، پژوهش و بحث و گفتگو قرار گیرد. رشته‌های مختلف علمی، به ویژه علوم انسانی و در آن میان علوم اجتماعی و رفتاری، از زوایای مختلف و با نگرش‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، روانشناختی، حقوقی، تاریخی و مذهبی به خانواده ورود پیدا می‌کنند. هر چند جمعیت‌شناسی رشته‌ایست که در حیطه‌ی علوم اجتماعی به معنای خاص قرار می‌گیرد ولی طبیعت میان رشته‌ای آن این علم را به طیف متنوعی از علوم مرتبط می‌سازد. مطالعه و بررسی تاثیر و تأثر متقابل جمعیت و خانواده از زمینه‌هایی است که مورد علاقه بسیاری از جمعیت‌شناسان و سایر صاحب‌نظران اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مرتبط با جمعیت قرار می‌گیرد. تغییر و تحولاتی که در ساختار خانواده، بعد خانوار، مراحل زندگی خانوادگی، تشکیل و تشکّل خانواده شکل گرفته تحت تاثیر تغییر و تحولات در متغیرهای محوری مباحث جمعیت‌شناسی هم چون وضعیت زناشویی، زاد و ولد و باروری، مرگ‌ومیر و مهاجرت بوده است.

کشورهای پیشرفته صنعتی تا سال‌های بین دو جنگ جهانی (دهه ۱۹۳۰ میلادی) مراحل انتقال جمعیتی را طی کرده بودند. در نیمه دوم قرن بیستم طی مراحل انتقال جمعیتی، که تا قبل از آن خاص کشورهای پیشرفته صنعتی بود، به سایر کشورها و یا به اصطلاح کشورهای در حال توسعه نیز تسری پیدا کرده و جهان شمول شد. یکی از پیامدهای مهم انتقال جمعیتی تغییر و تحولات ایجاد شده در ابعاد مختلف خانواده بود که جمعیت‌شناسان عنوان انتقال جمعیتی دوم را به آن داده و از مباحثی است که بطور جدی ذهن آنان را به خود مشغول کرده است.

انجمن جمعیت‌شناسی ایران به این نتیجه رسید که وقت آن است که ابعاد جمعیت‌شناختی تغییر و تحولات خانواده بطور همه جانبه‌ای مورد مطالعه، بررسی و مذاقه قرار گیرد. لذا هفتمین همایش خود را به این موضوع پر اهمیت اختصاص داد.

نشست‌های این همایش در پنج محور به شرح زیر ساماندهی شده است:

(۱) تحولات زمان‌بندی و الگوهای ازدواج و تشکیل خانواده

(۲) تغییر در بعد و ترکیب خانوار در بستر گذار جمعیتی

(۳) تغییرات خانواده، باروری و فرزندآوری

(۴) خانواده، مسیر زندگی و روابط بین نسلی

(۵) انحلال زناشویی، طلاق و بیوگی

هم‌چنین برگزاری میزگردی با عنوان "تداوم و تغییر خانواده: راهکارها و سیاست‌ها" در دستور کار این همایش قرار گرفته است.

این مجموعه شامل ۶۴ مقاله است که پس از بررسی کمیته علمی همایش و با توجه به محورهای پنج‌گانه آن برای ارائه به صورت سخنرانی و پوستر انتخاب شده‌اند. در نظر است مجموعه مقالات کامل این همایش نیز در اولین فرصت به چاپ برسد. با توجه به این که این همایش دو روزه در پنج نشست برگزار و در هر نشست فرصت ارائه بیش از چهار یا حداکثر

پنج مقاله نخواهد بود، ناچار کمیته علمی همایش در مجموع ۲۴ مقاله را برای ارائه به صورت سخنرانی انتخاب و سایر مقاله‌های پذیرفته شده به صورت پوستر ارائه خواهد شد.

نهادهای و سازمان‌ها و مراکز علمی و پژوهشی متعددی با انجمن جمعیت‌شناسی ایران در برگزاری این همایش همکاری داشته‌اند از جمله دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، مرکز آمار ایران، پژوهشکده آمار، صندوق جمعیت سازمان ملل، سازمان ثبت احوال، مرکز مطالعات جمعیتی آسیا و اقیانوسیه و معاونت ریاست جمهوری در امور زنان و خانواده. فرصت را مغتنم شمرده از مراکز علمی، نهادهای و سازمان‌های نامبرده و همچنین افراد دست‌اندر کار برگزاری و همکاری با این همایش در قالب کمیته علمی، کمیته اجرایی و سایر بخش‌ها تقدیر و تشکر می‌نماید. خداوند متعال پشت و پناه همه آنان باشد.

محمد میرازی

استاد دانشگاه تهران و

رئیس انجمن جمعیت‌شناسی ایران

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
الف) مقاله‌های پذیرفته شده برای ارایه به صورت سخنرانی ۸-۳۶	
نشست اول: تحولات زمان‌بندی و الگوهای ازدواج و تشکیل خانواده ۹-۱۴	
الگوهای نگرشی مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده در شهر یزد..... ۱۰	
بررسی عوامل تعیین کننده تغییرات الگوی سنی ازدواج و تجرد قطعی در استان‌های کشور در فاصله سال‌های ۹۰-۱۳۸۵..... ۱۱	
تحولات در شیوه همسرگزینی ایرانیان..... ۱۲	
بررسی تجربه عملی و نگرش زنان گُرد و همسر دار شهر مهاباد نسبت به الگوی ازدواج خویشاوندی..... ۱۳	
افزایش سن ازدواج و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن در شهرستان بهبهان..... ۱۴	
نشست دوم: تغییر در بُعد و ترکیب خانوار در بستر گذار جمعیتی ۱۵-۲۰	
تغییرات ساختار خانواده در ایران در دهه ۱۳۹۰..... ۱۶	
ازدواج و گذار جمعیت شناسی در ایران..... ۱۷	
خانوارهای تک نفره در ایران: توزیع ویژگی‌ها و عوامل تعیین کننده..... ۱۸	
مدرنیزاسیون، خانواده و تجربه گذارهای جمعیت شناختی..... ۱۹	
پیامدهای مهاجرت مردان بر زنان روستایی سرپرست خانوار..... ۲۰	
نشست سوم: تغییرات خانواده، باروری و فرزندآوری ۲۱-۲۶	
بررسی روند باروری با تأکید بر الگوهای نسلی فرزندآوری در ایران..... ۲۲	
بررسی نقش عوامل اقتصادی و چانه زنی درون خانواده در تقاضای فرزند دوم در ایران..... ۲۳	
عوامل مؤثر بر تعداد فرزندان زنده بدنیا آمده زنان ازدواج کرده ۱۵-۱۹ ساله در ایران: کاربرد یک مدل چند سطحی..... ۲۴	
ترجیحات باروری در زوجین در آستانه ازدواج مراجعه کننده به مراکز بهداشتی دارای کلینیک مشاوره در شهر مشهد..... ۲۵	
واکاوی عوامل زمینه ساز تصمیم تک فرزندی در زنان و مردان ساکن تهران، یک مطالعه کیفی..... ۲۶	
نشست چهارم: خانواده، مسیر زندگی و روابط بین نسلی ۲۷-۳۱	
بررسی رابطه بین نسلی در ایران در دو دهه اخیر..... ۲۸	
تحولات خانوار از منظر تمایلات و رفتار فرزندآوری در سه نسل زنان در استان سمنان..... ۲۹	
تجربیات دوران کودکی و نگرش به شکل‌گیری خانواده..... ۳۰	
نگاهی جامعه شناختی به بعد پنهانی خشونت خانگی: ولی آزاری..... ۳۱	
نشست پنجم: انحلال زناشویی، طلاق و بیوگی ۳۲-۳۶	
مطالعه روند تحولات دهه اخیر شاخص‌های طلاق و موشکافی تفاوت‌های نسلی این تحولات در ایران..... ۳۳	
تغییرات دوام زندگی و طلاق در ایران در ارتباط با آشتی‌های اقتصادی سال‌های اخیر..... ۳۴	
طلاق و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن..... ۳۵	
تأملی جامعه‌شناسانه بر پدیده طلاق در روند مدرن شدن خانواده در ایران..... ۳۶	

ب) مقاله‌های پذیرفته شده برای ارایه به صورت پوستر.....۳۷-۷۸

- تحولات زناشویی مردان و زنان مناطق شهری و روستایی کشور در سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰..... ۳۸
- بررسی افزایش میزان پیش‌رسی ازدواج زنان و عوامل مؤثر بر آن در ایران..... ۳۹
- معیارهای همسرگزینی نزد دانش‌آموزان و دانشجویان..... ۴۰
- تفاوت‌های روستا شهری سن ازدواج و تعیین کننده‌های آن در شهر کرمانشاه..... ۴۱
- بررسی مضیقۀ ازدواج در ایران..... ۴۲
- تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن با نگاهی به سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰..... ۴۳
- چالش‌های اقتصادی-اجتماعی جوانان و ایده‌های خانواده: مورد مطالعه افراد ۲۹-۱۵ ساله شهر سمنان..... ۴۴
- پنج‌سال تحول جمعیت شناختی ازدواج با تأکید بر استان کرمانشاه (۱۳۹۰-۱۳۴۵)..... ۴۵
- بررسی تغییرات خانواده در گذار دوم جمعیت (مطالعه موردی شهر تهران)..... ۴۶
- بررسی دیررسی ازدواج در بین دختران و عوامل مرتبط با آن (مورد مطالعه: دختران ۱۵ تا ۳۴ ساله استان آذربایجان شرقی)..... ۴۷
- بررسی جمعیت شناختی ازدواج در ایران..... ۴۸
- بررسی الگوی امید زندگی مشترک و میانگین سن در اولین ازدواج..... ۴۹
- بازتاب تحولات جمعیت و خانوار در ایران در بستر گذار جمعیتی..... ۵۰
- بررسی عوامل مؤثر بر میزان هسته‌ای شدن خانواده در مناطق روستایی شهرستان شاهین دژ..... ۵۱
- تحلیل مقدماتی گذار خانوار در طی ۵۰ سال گذشته..... ۵۲
- شکاف جنسیتی سرپرستان خانوار در ایران (تحلیل جمعیت‌شناختی زنان سرپرست خانوار با توجه به شاخص‌های جمعیتی)..... ۵۳
- روند تک‌فرزندی در ۱۵ سال گذشته در ایران با تأکید بر نسبت جنسی براساس داده‌های سرشماری ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰..... ۵۴
- شواهد تازه درباره افزایش زمان به تأخیر انداختن فرزندآوری و عوامل مرتبط با آن در شهر تهران..... ۵۵
- بررسی تحولات باروری شهرستان اشنویه و تأثیر عوامل جمعیتی اجتماعی مؤثر بر آن..... ۵۶
- بررسی مطالعه تطبیقی باروری افتراقی در دو استان یسکان و بلوچستان و کردستان در سال ۱۳۹۰..... ۵۷
- زمان وقوع تولد اولین فرزند در تهران..... ۵۸
- کاربرد مدل زمان شکست شتابیده در تحلیل عوامل تأثیرگذار بر فاصله تولد: مطالعه موردی شهر اهواز..... ۵۹
- باروری و کارهای بدون مزد خانگی: تحلیل دو سطحی از تعیین کننده‌های کار بدون مزد در ایران..... ۶۰
- روایت ناباروران ارادی از فرزندآوری: مطالعه‌ای پدیدار شناختی..... ۶۱
- برآورد باروری استان‌های مازندران، گلستان و کیلان به وسیله روش نسبت P/F در سال ۱۳۹۰..... ۶۲
- بررسی اهمیت تحصیل پس از ازدواج و نقش آن در تأخیر اولین فرزندآوری در زنان در شرف ازدواج شهرستان نیشابور..... ۶۳
- بررسی تحولات فرزندآوری در ابعاد گوناگون اجتماعی و جمعیتی براساس سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰..... ۶۴
- بررسی نگرش و ایده‌آل‌های زنان به باروری و تعداد فرزندان مطلوب زنان ۴۹-۱۵ ساله مناطق ۲۲ گانه شهر تهران..... ۶۵
- بررسی سازگاری زوجین و تأثیر آن در الگوی فرزندآوری شهر تهران..... ۶۶
- بررسی تطبیقی ایده‌آل باروری زنان همسر دار و دختران شهر شیراز..... ۶۷
- نگرش دانشجویان پسر دانشگاه خوارزمی و طلبه‌های مرد حوزه علمیه کرج نسبت به برنامه‌های جمعیت و تنظیم خانواده..... ۶۸
- بررسی جلوه‌های گذار جمعیتی دوم بر کاهش باروری ایران..... ۶۹
- برآورد میزان کل باروری استان‌های کشور و مطالعه عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر باروری ۹۰-۱۳۸۵..... ۷۰
- بررسی روابط زوجین در خانواده با نگاهی به مفهوم خانواده‌ی دموکراتیک، مطالعه موردی زنان متأهل شهر سبزوار..... ۷۱
- تأثیرات تحولات خانواده بر روابط بین نسلی در شهر مهاباد..... ۷۲
- بررسی مقایسه‌ای وضعیت اقتصادی خانوارهای تک‌والد و دو‌والد و عوامل جمعیتی اجتماعی مؤثر بر آن..... ۷۳
- بررسی تغییرات نسبت حمایت خانوادگی جمعیت ایران در دوره ۹۰-۱۳۳۵..... ۷۴
- بررسی هم‌نوازی سنی زوجین و ارتباط آن با میزان‌های طلاق در استان فارس طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۴..... ۷۵
- بررسی پویایی ازدواج و طلاق در ایران با تأکید بر سرشماری سال ۱۳۹۰..... ۷۶
- عوامل مؤثر بر تمایل و اقدام به طلاق (مورد مطالعه: زنان در شرف طلاق در شهر اهواز که به دادگاه خانواده مراجعه کردند)..... ۷۷
- بررسی رابطه انسجام خانواده و کیفیت زندگی در ایران: مطالعه موردی کلان شهر تهران..... ۷۸

الف) مقاله‌های پذیرفته شده برای ارایه به صورت سخنرانی

نشست اول:
تحولات زمان بندی و الگوهای ازدواج و تشکیل خانواده

الگوهای نگرشی مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده در شهر یزد

مرجان صباغچی*

عباس عسکری ندوشن**

چکیده

در سالیان اخیر، ابعاد نگرشی مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده در ایران تغییرات چشمگیری را تجربه نموده است. این تغییرات نگرشی پیامدهای تأثیرگذاری را بر الگوهای رفتاری نسل‌های جدید به دنبال داشته است. با توجه به وسعت دامنه این تغییرات نگرشی و پیامدهای بعدی آن مطالعه علمی و مستمر این نگرش‌ها، ضرورت دارد. به همین منظور، مقاله حاضر با استفاده از داده‌های حاصل از اجرای یک پیمایش در شهر یزد، به مطالعه ایده‌ها و نگرش‌های عمومی مردم نسبت به برخی از ابعاد ازدواج، همسرگزینی و تشکیل خانواده و نیز تحلیل تفاوت‌ها و عوامل تعیین‌کننده آن پرداخته است. با استفاده از داده‌های فوق، نگرش پاسخگویان درخصوص تجرد، همسرگزینی، ازدواج مجدد، زمانبندی ازدواج، وصلت‌های خویشاوندی، نحوه انتخاب همسر، و نظایر آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت. علاوه براین، تفاوت‌های نگرشی موجود پاسخگویان در بین گروه‌های مختلف سنی، تحصیلی، شغلی و ... مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: نگرش به ازدواج، تجرد، انتخاب همسر، ازدواج خویشاوندی، ارزش‌های خانواده.

marjan_sabaghchi@yahoo.com
aaskarin@yazd.ac.ir

* دانشجوی کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی در دانشگاه یزد
** عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد

بررسی عوامل تعیین کننده تغییرات الگوی سنی ازدواج و مجرد قطعی در استان های کشور در فاصله سال های ۹۰-۱۳۸۵

معصومه توده فلاح*

چکیده

بالا رفتن سن ازدواج از علل مستقیم مجرد قطعی و از مؤلفه های تعیین کننده ی کاهش باروری و به تبع آن کاهش رشد جمعیت است. طی چند دهه اخیر، علاوه بر تغییرات ساختاری جمعیت، بازتاب توسعه ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور که در تعامل با تحولات سریع جهان کنونی در حال انجام است، تعویق ازدواج جوانان و مسئله مجرد قطعی را در جامعه ایجاد کرده است. در این مقاله تلاش شده است با رویکرد تطبیقی و با استفاده از نتایج سرشماری سال های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، تغییرات میانگین سن در اولین ازدواج و نسبت مجرد قطعی در استان های کشور که از سطح توسعه متمایزی از هم برخوردارند مورد مطالعه قرار گیرد. سؤال اصلی این مطالعه این است که الگوی سنی ازدواج و درصد مجرد قطعی در استان های کشور در فاصله سال های مذکور چگونه بوده است؟ آیا استان های کشور از یک الگوی یکسانی برای این دو شاخص پیروی می کنند یا متفاوت از یکدیگر هستند؟ و چه عواملی این تفاوت ها را تبیین می کنند؟ نتایج این مطالعه نیز نشان داد که میانگین سن ازدواج مردان در کل کشور و به جز ۶ استان در تمامی استانها با افزایش روبرو بوده است، در حالیکه سن ازدواج زنان در کشور تغییر چندانی نداشته و در دوسوم از استانهای کشور کاهش پیدا کرده است. همچنین بررسی تغییرات مجرد قطعی نشان داد این شاخص در تمام استان های کشور افزایش یافته و این افزایش در زنان بیشتر از مردان بوده است. در بررسی عوامل تعیین کننده، با بهره گیری از نظریات مرتبط و تئوری نوسازی، رابطه ی بین میانگین سن در اولین ازدواج و نسبت مجرد قطعی با فاکتورهای نوسازی نظیر شهرنشینی، میزان تحصیلات عالی و میزان اشتغال با استفاده از تکنیک خط روند مورد بررسی قرار گرفته است که مثبت یا منفی بودن و حتی بی اثر بودن هر یک از آنها به تفصیل بیان شده است.

واژگان کلیدی: میانگین سن در اولین ازدواج، نسبت مجرد قطعی، نوسازی.

* کارشناس ارشد جمعیت شناسی و کارشناس مسئول آمار حیاتی - دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت سازمان ثبت احوال کشور

m.falah@sabteahval.ir

تحولات در شیوه‌های همسرگزینی ایرانیان

سیدمهدی اعتمادی فرد*

چکیده

روابط خانوادگی از جمله دیربازترین اشکال ارتباط اجتماعی در حیات ایرانی است که تغییراتی را در دهه‌های اخیر از سر گذرانده است. از جمله چنین تغییراتی شیوه‌های همسرگزینی است. در مقاله حاضر، به بررسی تحولات در شیوه‌های همسرگزینی در سطوح مختلف عینی و ذهنی و عوامل مؤثر بر آن پرداخته می‌شود. با توجه به داده‌های موجود، ازدواج گروه‌های مختلف ایرانی عمدتاً به شیوه‌های برون‌همسرگزینانه تغییر یافته است. چنین تغییری در نگرش آنها نسبت به شیوه‌های همسرگزینی نیز تأثیرگذار بوده است؛ به گونه‌ای که در سال ۱۳۵۳، ۴۱ درصد ایرانیان ازدواج فامیلی را ترجیح می‌دادند اما در سال ۱۳۸۳ به ۲۴ درصد کاهش یافته‌اند. علی‌رغم تغییر الگوی همسرگزینی در دهه‌های اخیر، اولویت نگرشی ایرانیان نسبت به زن و مرد ایده‌آل برای ازدواج، متناسب با سلسله‌مراتب ذهنی چهار دهه پیش می‌باشد؛ به گونه‌ای که ویژگی‌های اخلاقی پس از گذشت چند دهه همچنان در اولویت نخست همسر ایده‌آل قرار دارد. با استفاده از روش تحلیل ثانویه کمی، به بررسی مقایسه‌ای وضعیت عینی و ذهنی در خصوص شیوه‌های همسرگزینی و تحولات مربوط به آن پرداخته شده و عوامل مؤثر بر آن با توجه به متغیرهای زمینه‌ای نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

واژگان کلیدی: اولویت نگرشی، برون‌همسرگزینی، تفکیک اجتماعی، درون‌همسرگزینی، سلسله‌مراتب ارزش‌شناختی، معیار انتخاب همسر.

بررسی تجربه‌ی عملی و نگرش زنان گُرد همسر دار شهر مهاباد نسبت به الگوی ازدواج خویشاوندی

حاتم حسینی*

بلال بگی**

چکیده

چالش‌هایی که زندگی صنعتی فرا روی نهاد خانواده قرار داد، سبب شد تا دگرگونی‌هایی در نگرش‌ها، باورها، هنجارها و آداب و رسوم مربوط به ازدواج و همسرگزینی به وجود بیاید. بنابراین، پژوهش و تحقیق در عرصه‌ی روابط خانوادگی (از جمله ازدواج)، در راستای شناخت تغییرات آن و آمادگی جهت مواجهه‌ی مناسب و حساب‌شده با این تغییرات، از اهمیت زیادی برخوردار است. هدف از این مقاله بررسی میزان عمومیت ازدواج خویشاوندی در میان زنان گُرد همسر دار شهر مهاباد و نیز نگرش آن‌ها نسبت به ازدواج فرزندان (دختر و پسر) با خویشاوندان است. داده‌ها با استفاده از پیمایشی که در سال ۱۳۹۱ انجام شد و در آن ۷۰۰ زن همسر دار مورد مصاحبه قرار گرفتند گردآوری شده است. نتایج نشان می‌دهد که ۳۶/۹ درصد ازدواج‌ها از نوع خویشاوندی است که در این میان، ۲۳/۲ درصد زنان با خویشاوندان نزدیک خود ازدواج کرده‌اند. توزیع ازدواج‌های خویشاوندی بر حسب تحصیلات نشان می‌دهد که این نوع ازدواج با سطح تحصیلات زنان رابطه‌ای معکوس دارد. زنان دارای تحصیلات بالاتر، کمتر از دیگران با خویشاوندان خود ازدواج کرده‌اند. نتایج همچنین بیانگر آن است که عمومیت ازدواج خویشاوندی در کوهورت‌های اخیرتر ازدواج کمتر از کوهورت‌های قدیمی‌تر است. زنانی که خود ازدواج خویشاوندی را تجربه کرده‌اند، بیش‌تر از سایرین موافق ازدواج فرزندان با خویشاوندان می‌باشند و تفاوتی در نگرش آن‌ها نسبت به ازدواج فرزندان دختر و یا پسر با فردی از افراد فامیل وجود ندارد. بر پایه‌ی این بررسی، زنان دارای تفکرات مدرن، برخوردار از استقلال بیش‌تر، سرمایه‌ی فرهنگی بالاتر و همچنین آن‌هایی که تحصیلات دانشگاهی دارند، بیش‌تر از سایرین مخالف ازدواج فرزندان با خویشاوندان خود می‌باشند.

واژگان کلیدی: ازدواج خویشاوندی، خویشاوند نزدیک، نگرش، خانواده، زنان گُرد، مهاباد.

* استادیار جمعیت‌شناسی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، h-hosseini@basu.ac.ir

** کارشناس ارشد پژوهش اجتماعی، Belal.Bagi@live.com

افزایش سن ازدواج و عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر آن در شهرستان بهبهان

ابوالقاسم حیدرآبادی*

اسحق ارجمند سیاهپوش**

حسن ارجمندی***

چکیده

هدف اصلی مقاله بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر افزایش سن ازدواج جوانان ۱۸ تا ۳۵ ساله در شهرستان بهبهان می باشد. روش تحقیق، پیمایشی بوده و با استفاده از تکنیک پرسشنامه است. با توجه به فرمول کوکران حجم نمونه ۳۰۰ نفر تعیین شده و به روش نمونه گیری تصادفی ساده نمونه ها انتخاب گردید. یافته ها نشان می دهد که بین متغیر وابسته سن ازدواج با متغیرهای میزان تجملات و هزینه های ازدواج، میزان سخت گیری خانواده ها، روش انتخاب همسر و سطح تحصیلات پاسخگو با میانگین سن ازدواج همبستگی مثبت و مستقیم دارند. بین متغیرهای میزان سنت گرایی، تحصیلات همسر و رسیدن به بلوغ اقتصادی با سن ازدواج رابطه معناداری وجود ندارد. میانگین سن ازدواج بر حسب میزان تحصیلات پاسخگویان تفاوت معناداری از یکدیگر داشته است. تحلیل رگرسیون نشانگر آن است که متغیرهای مستقل ۱۸/۲ درصد از تغییرات سن ازدواج را تبیین نموده و بیشترین تأثیر را به ترتیب متغیرهای روش انتخاب همسر، تحصیلات و رسیدن به بلوغ اقتصادی داشته اند. بنابراین می توان نتیجه گرفت که زمان تشکیل خانواده در بین جوانان به تأخیر خواهد افتاد.

واژه های کلیدی: تشکیل خانواده، میزان سنت گرایی، میزان تحصیلات، میزان تجملات و هزینه های ازدواج، سن ازدواج، میزان سخت گیری خانواده ها، بلوغ اقتصادی.

* استادیار جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل E-mail: ashahin2000@yahoo.com

** استادیار جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اندیمشک E-mail: e.arjmand@yahoo.com

*** کارشناس ارشد علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی

نشست دوم:

تغییر در بُعد و ترکیب خانوار در بستر گذار جمعیتی

تغییرات ساختار خانواده در ایران در دهه ۱۳۹۰

علی یار احمدی*

چکیده

رسیدن نسل متولدین نیمه اول دهه ۶۰ به بازار ازدواج منجر به تغییراتی در ساختار خانواده ها شده است. این تغییرات در دهه ۱۳۹۰ سرعت بیشتری را نسبت به دهه های قبل از خود نشان می دهد. بعد خانواده کاهش عمده ای نشان داده است و ترکیب خانواده ها هم تغییر کرده است. این تغییرات نشانه هایی از انتقال خانواده در ایران را نشان می دهد. این مقاله ابعاد تغییر در ساختار خانواده در ایران را به شکل عمیق مورد کنکاش قرار دهد. بدین منظور همه اشکال خانواده در ایران شامل خانواده هسته ای، گسترده، خانواده های تک والدی و خانواده های تک نفره بر حسب اندازه، ترکیب خانوار، توزیع سنی اعضای خانوارها در دهه ۱۳۹۰ (۱۳۷۹ تا ۱۳۹۰) مورد بررسی قرار گرفته است. روش تحقیق مورد استفاده، روش کمی و رویکرد، جمعیت شناختی است. داده های مورد استفاده، داده های بررسی جمعیتی سلامتی DHS، ۱۳۷۹ و داده های خام سرشماری ۱۳۹۰ می باشد. نتایج مطالعه نشان می دهد که ساختار خانواده در ایران به رغم کوچک شدن با ساختار خانواده کشورهای پیشرفته تفاوت های چشمگیری دارد. بعد خانواده در سال ۱۳۷۹ برابر با ۴/۷۵ بوده است در حالی که در سرشماری ۱۳۹۰ به ۳/۶ نفر رسیده است. همگام با این، ترکیب خانوارهای ایرانی نیز بیشتر از گذشته هسته ای شده است. در سال ۱۳۷۹ ۷۶ درصد خانوارها هسته ای بوده اند که در سال ۱۳۹۰ به ۷۹/۶ درصد رسیده است. تغییرات محسوسی در خانواده های، گسترده، تک والدی و خانوارهای تک نفره نیز رخ داده است که قابل توجه می باشد. ساختار خانواده در ایران به لحاظ ترکیب اگر چه با خانوارهای کشور های همسایه متفاوت شده است اما شبیه ساختار خانواده در کشورهای غربی و توسعه یافته نیست. تغییر در ابعاد و ترکیب خانواده، به همراه افزایش در خانواده های تک والدی و تک نفره نشان از این دارد که ایران در دوره انتقال خانواده قرار دارد. افزایش تحصیلات، افزایش سن ازدواج، کاهش باروری و افزایش میزانهای طلاق این انتقال را تسریع می کند.

واژگان کلیدی: بُعد خانواده، ترکیب خانواده، خانوارهای تک نفره، طلاق، ایران.

* استادیار جمعیت شناسی، بخش جامعه شناسی و برنامه ریزی اجتماعی، دانشگاه شیراز ahmadi_78@yahoo.com

ازدواج و گذار جمعیت شناختی در ایران

صدرالدین بلادی موسوی*

سمیه شمسی حائری**

چکیده

جریان توسعه و تاثیر آن در بهبود تغذیه و بهداشت، زمینه ای برای کاهش مرگ و میر ابتدا در کشورهای موسوم به توسعه یافته بوجود آورد با کاهش مرگ و میر، موالید هم با توسعه وسایل پیشگیری از حاملگی کاهش پیدا کرد بطوری که رشد جمعیت مجدداً به دوران قبل از کاهش مرگ و میر و موالید نزدیک شد. این تغییرات با عنوان گذار جمعیتی اول نام گرفته شده است. با کاهش باروری دوران گذار جمعیت شناسی اول به پایان خود نزدیک می شود و قبل از پایان آن به نظر می آید گذار جمعیت شناسی دوم در ایران آغاز شده است. اولین بار گذار جمعیت شناختی دوم توسط افرادی با نام ون دکا و لستهاق در سال ۱۹۸۶ استفاده شده است. در گذار دوم که در کشورهای پیشرفته صورت گرفته به گفته لستهاق، به تدریج نرخ طلاق رو به افزایش گذاشت و در اواخر دهه ی ۱۹۶۰ سن ازدواج نیز شروع به افزایش کرد، باروری به زیر سطح جایگزینی رسید، سایر اشکال زندگی خارج از ازدواج به وجود آمد، فرزندآوری از ازدواج جدا شد و جمعیت ثابت بعد از گذار اول به وجود نیامد و به جای آن جمعیت غرب شاهد نرخهای رشد منفی به همراه سالخوردگی جمعیت شد.

در این مقاله تغییرات ازدواج در ایران از دید گذار جمعیت شناختی مورد بررسی قرار می گیرد. تا سال ۱۳۷۵ همه شاخصهای ازدواج و زناشویی در ایران گذار جمعیت شناختی اول را در ایران نشان می داد اما بعد از این سال با ثابت شدن یا کاهش شاخصهای ازدواج و افزایش شدید مجرد قطعی و میزان طلاق همراه با پایین آمدن باروری تا زیر سطح جایگزینی به نظر می آید برخی از ظواهر گذار دوم جمعیت شناختی مانند کشورهای غربی و بر خلاف کشورهای اسلامی پدیدار گردیده است. البته برخی از دلایل افزایش سن ازدواج و میزان طلاق و همچنین کاهش میزان ازدواج در ایران متأثر از مسائل اقتصادی است و ممکن است با زمینه های فرهنگی و اجتماعی کشورهای پیشرفته که به دوران گذار دوم رسیده اند و این وضعیتها را دارا هستند متفاوت باشد.

واژگان کلیدی: گذار جمعیت شناختی اول، گذار جمعیت شناختی دوم، سن ازدواج، میزان ازدواج، مجرد قطعی.

* رییس گروه نظارت بر آمارهای اجتماعی و خدمات مرکز آمار ایران sadroddin@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت (MBA) دانشگاه آزاد اسلامی

خانوارهای تک نفره در ایران: توزیع، ویژگی‌ها و عوامل تعیین کننده

* فاطمه ترابی

** عباس عسکری ندوشن

*** محمدجلال عباسی شوازی

چکیده

طی چند دهه اخیر، ترتیبات زندگی خانوارها در ایران، تحت تاثیر تحولات اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی، دچار تغییرات گوناگونی گردیده است. یکی از ابعاد پویای این تغییرات، افزایش تعداد و رشد خانوارهای تک نفره بوده است. براساس آخرین داده‌های موجود از سرشماری ۱۳۹۰، زندگی در خانوارهای تک نفره شیوه زندگی ۱.۵ میلیون نفر در ایران بوده است که به طور متوسط بیش از ۷ درصد از مجموع خانوارهای کشور را تشکیل می‌دهد. با توجه به پیامدهای مهم اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی زندگی انفرادی، مقاله حاضر سعی دارد با استفاده از داده‌های سطح انبوه و سطح فردی سرشماری ۱۳۹۰ این پدیده نوظهور جمعیتی را مورد مطالعه قرار دهد. اهداف کلی این مقاله عبارتند از بررسی (۱) توزیع استانی خانوارهای تک نفره، (۲) ویژگی‌های خانوارهای تک نفره در استان‌های گوناگون و (۳) عوامل اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی موثر بر تفاوت‌های استانی زندگی انفرادی. یافته‌ها از تفاوت‌های استانی قابل توجهی در فراوانی خانوارهای تک نفره حکایت دارند به طوری که سهم این خانوارها در استان‌های غربی به طور کلی کمتر از سایر استان‌های کشور می‌باشد. در پنج استان تهران، مرکزی، گیلان، سمنان و خراسان رضوی نیز خانوارهای تک نفره بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند. به علاوه، نتایج تحلیل چند متغیره حاکی از آن است که تفاوت‌های استانی در وضعیت اشتغال، بیکاری، بیوگی، طلاق، هرگز ازدواج نکردگی، جوان بودن و سالخورده بودن جمعیت قادر به تبیین حدود هفتاد درصد تفاوت در فراوانی زندگی انفرادی در استان‌های کشور می‌باشد. مطالعات بعدی می‌توانند با شناسایی ویژگی‌ها و نیز توانمندی‌ها و چالش‌های خاص خانوارهای تک نفره در استان‌های متفاوت، به طراحی برنامه‌های هدفمند برای بهبود کیفیت زندگی این قشر کمک کنند.

واژگان کلیدی: خانوار تک نفره، تفاوت‌های استانی، عوامل تعیین کننده، ایران.

* استادیار جمعیت‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران Fatemeh_torabi@ut.ac.ir

** عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد aaskarin@yazd.ac.ir

*** استاد گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران، و محقق در موسسه مطالعات اجتماعی و جمعیتی، دانشگاه ملی استرا لیا mabbasi@ut.ac.ir

مدرنیزاسیون، خانواده، و تجربه گذارهای جمعیت‌شناختی

مهدی رضائی *

لطیف پرتوی **

احمد محمدپور ***

چکیده

مدرنیزاسیون یا نوسازی از جمله نیروهای محرکه تغییر در جوامع سنتی غیرغربی در قرن بیستم بوده و هست. این نیرو از طریق حاملان اولیه و ثانویه خود توانسته است در شکل و محتوای تعاملات فردی و نهادی تغییر و تحول ایجاد کند. در این میان خانواده نیز به عنوان یکی از نهادهای مهم و بنیادین اجتماعی از این تغییرات بی نصیب نمانده است. جریان مدرنیزاسیون در ایران بویژه موج گسترده و همه‌گیر آن در دو مرحله توانست بر خانواده تأثیرات ماندگار و قابل توجهی بر جای بگذارد. اولین موج تأثیرگذار همان انقلاب سفید، در قالب اصلاحات ارضی، سپاه بهداشت و غیره در دهه ی ۱۳۴۰ شمسی بود و دومی، اگرچه به عنوان مدرنیزاسیون از آن نامی برده نشده است، اجرای سیاست کنترل موالید موالید در دهه ۱۳۷۰ شمسی بود. این دو موج مدرنیزاسیون هر یک به شکلی متفاوت توانستند بر بافت و بُعد جمعیت‌شناختی خانواده تأثیرگذار باشند. تحولات ناشی از انقلاب سفید، بویژه اصلاحات ارضی و ترویج بهداشت شرایط را برای گذار از خانواده گسترده به هسته‌ای و تجربه کاهش و انتقال مرگ‌ومیر را فراهم آوردند. مدرنیزاسیون دهه ۱۳۷۰ منجر به ظهور پدیده کم‌فرزندی در نهاد خانواده برای اولین بار شد. این امر علاوه بر کم‌فرزندی پیامدهای دیگری همچون رویارویی نهاد خانواده با فرزندان ناخواسته و سقط جنین عمدی در مقیاسی قابل توجه شد. این مقاله نتایج یک مطالعه میدانی با رویکرد جمعیت‌شناسی انسان‌شناختی است که در صدد فهم تأثیرات مدرنیزاسیون بر ابعاد جمعیت‌شناختی نهاد خانواده است.

واژگان کلیدی: مدرنیزاسیون، خانواده، انقلاب سفید، کنترل موالید، گذار جمعیت‌شناختی.

* دکتری جمعیت‌شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور، آذربایجان غربی rezaeimehdi1@gmail.com

** دکتری جمعیت‌شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور، آذربایجان غربی partovi.latif610@gmail.com

*** دکترای جامعه‌شناسی توسعه و تغییرات اجتماعی . Ah.mohammadpur@gmail.com

پیامدهای مهاجرت مردان بر زنان روستایی سرپرست خانواده

فرزانه میرزاوند*

حسین ایمانی جاجرمی**

چکیده

در برخی روستاهای لرستان شرایط معیشتی نامناسب و اضطراب ناشی از آن سبب شده بیشتر مردان به شهرهای بزرگ برای یافتن کار و کسب درآمد مهاجرت کنند. این مهاجرت پیامدهای متعدد اقتصادی، اجتماعی و روانی بر روی خانواده به ویژه زنان داشته است. ضرورت تأمین معاش، افزایش بار مسئولیت ها، مسایل عاطفی ناشی از نبود همسر و بحران های اقتصادی از مهمترین مسایلی است که زنان با آن ها مواجه هستند. مقاله به این پرسش های اصلی می پردازد که پیامدهای نبود مستمر مرد خانواده و انتقال تمامی مسئولیت های زندگی به زن و تبدیل شدنش به سرپرست خانوار برای او چه بوده است؟ و آیا نبود مردان منجر به توانمندی زنان شده است؟ برای جمع آوری اطلاعات این تحقیق از روش کیفی استفاده شد و برای سنجش توانمندی تکنیک های PRA و RRA به کار رفت. نتایج پژوهش در جامعه مورد مطالعه نشان داد که سطح پایین تحصیلات، نبود دسترسی به منابع مالی، نداشتن مهارت های زندگی، روحیه منفعل زنان خانوار و تلاش نکرده برای بهبود وضعیت مانع از توانمندسازی زنان شده و مهاجرت مردان زنان را بیش از پیش وابسته به درآمد همسران خود کرده است.

واژگان کلیدی: مهاجرت، زنان، توانمندسازی، جنسیت، شبکه.

* کارشناس ارشد توسعه روستایی، fmirzavand@gmail.com

** دانشیار، دانشگاه تهران، imanijajarmi@ut.ac.ir

نشست سوم:
تغییرات خانواده، باروری و فرزندآوری

بررسی روند باروری با تاکید بر الگوهای نسلی فرزندآوری در ایران

* میمنت حسینی چاوشی

** پیتیر مکدونالد

*** محمد جلال عباسی شوازی

**** آرشی رشیدیان

چکیده

تغییر سیاستهای جمعیتی در سالهای اخیر مبتنی بر فرضیه تداوم کاهش شدید باروری بوده و سطح باروری نیز بعضاً پایینتر از حد واقعی آن گزارش شده است. مقاله حاضر با استفاده از داده های تحقیق "بررسی سیمای جمعیت در جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۹" از طریق محاسبه باروری کامل شده و احتمال فرزندآوری در سه دهه گذشته به بررسی سطح باروری و الگوی فرزندآوری زنان در سنین باروری می پردازد. مقاله به دنبال پاسخ به این سوالات است که سطح و روند باروری در سالهای اخیر چگونه بوده است؟ الگوی باروری بر حسب احتمال فرزندآوری چیست؟ زنان ایرانی هر فرزند خود را با چه احتمالی و با چه فاصله زمانی از فرزند قبلی بدنیا آورده اند؟ و خلاصه اینکه، احتمال تداوم سطح موجود باروری چه ساختاری را برای جمعیت آینده کشور ممکن است ترسیم نماید؟ نتایج برآورد میزان باروری کل از طریق محاسبه باروری کامل شده و احتمال فرزندآوری در سه دهه گذشته نشان می دهد که باروری کل از متوسط ۶ فرزند برای هر زن در سال ۱۳۶۵ به ۲.۲ در سال ۱۳۸۱ کاهش یافته، ولی از سال ۱۳۸۱ به بعد باروری در حدود همین سطح، یعنی اندکی بالاتر از متوسط دو فرزند ثابت مانده است. نتیجه برآورد میزان باروری کل به روش فرزندان خود نیز باروری حدود ۱.۸ را برای سالهای ۱۳۹۰-۱۳۸۸ نشان می دهد. هر چند روش محاسبه باروری با دو روش فوق متفاوت است، ولی مقایسه این دو برآورد نشان می دهد که سطح باروری بین ۱.۸ و ۲.۲ در نوسان است. محاسبه نسبت های فرزندآوری بر مبنای داده های بررسی سیمای جمعیت در ایران نیز سطح نسبتاً ثابت الگو و سطح باروری در دهه گذشته را تأیید می کند. اگرچه در دو دهه گذشته درصد زنان ایرانی که تا قبل از پایان دوره سنی باروری خود ازدواج کردند نوسان داشته است، با اینحال سن ازدواج زنان در سالهای اخیر تغییر چندانی نداشته و بیش از ۹۰ درصد زنان تا قبل از پایان دوره باروری خود ازدواج می کنند. علاوه بر آن، نتایج حاکی از یک توزیع پراکنده زنان بر حسب تعداد فرزندان زنده بدنیا آمده آنان می باشد. بدین معنی که، حدوداً یک سوم زنان یا اصلاً ازدواج نکردند، و یا ازدواج کردند و فرزند ندارند و یا فقط یک فرزند دارند؛ یک سوم زنان دو فرزند دارند؛ و یک سوم زنان سه و یا بیشتر از سه فرزند دارند. این توزیع نیز نشانگر این مهم است که هنوز الگوی ترکیبی تعداد فرزندان با سطح باروری خیلی پائین سازگار نیست. اگرچه، میانگین فاصله تولد بین فرزندان اول و دوم، و دوم و سوم تقریباً ۲.۵ سال طولانی تر از میانگین های مشابه در سایر کشورهاست. پیام اصلی نتایج مقاله این است که اولاً، سیر نزولی باروری در دهه اخیر کند شده و در حد نسبتاً ثابتی تداوم یافته است. ثانیاً، هنوز درصد قابل توجهی از زنان بیش از دو فرزند دارند و همین امر تداوم فرزندآوری و رشد مثبت جمعیت در کشور را تأیید می کند. ثالثاً، ضمن اینکه سیاستهای حمایتی برای حفظ و یا افزایش سطح موجود باروری لازم و ضروری است، با اینحال به جای اجرای سیاستهای جمعیتی شتابزده و یا حذف برنامه های تنظیم خانواده، باید سیاستهای اعمال گردند که با رفتارهای باروری افراد هم خوانی داشته و زمینه محقق شدن ایده آلهای باروری زوجین را فراهم نمایند. کاهش فواصل طولانی بین تولد فرزندان در ایران خصوصاً فاصله بین تولد فرزند اول و دوم، و فاصله بین تولد دوم و سوم، همراه با تشویق زوجین و پشتیبانی از آنان برای تحقق تعداد فرزندان دلخواه و مورد نظر آنها می تواند سطح باروری مورد نیاز برای حفظ رشد مثبت جمعیت را تضمین نموده و از کاهش باروری به زیر سطح جانشینی جلوگیری نماید.

واژگان کلیدی: باروری، الگوی نسلی فرزندآوری، فاصله مولید، ایران

* محقق و جمعیت شناس، دانشگاه ملی استرالیا و کارشناس ارشد وزارت بهداشت و درمان meimanat.hosseini@anu.edu.au

** استاد جمعیت شناسی، دانشگاه ملی استرالیا

*** استاد جمعیت شناسی، دانشگاه تهران، و محقق پیوسته در دانشگاه ملی استرالیا

**** دانشیار دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران

بررسی نقش عوامل اقتصادی و چانه‌زنی درون خانواده در تقاضای فرزند دوم در ایران

ابوالقاسم پوررضا*

مریم معینی**

فاطمه ترابی***

چکیده

با توجه به آن که طی سال‌های اخیر، نرخ باروری در ایران کاهش یافته و به کمتر از نرخ جایگزینی رسیده است، تولد فرزند دوم در خانواده‌های ایرانی از اهمیت بسیاری برای محققان برخوردار است. این مطالعه میزان تاثیرگذاری تعیین‌کننده‌های اقتصادی و قدرت چانه‌زنی زنان در تصمیم‌گیری‌های درون خانواده را بر تقاضای فرزند دوم در خانواده‌های ایرانی بررسی کرده است. برای چانه‌زنی درون خانواده به منظور تعیین تعداد مطلوب فرزندان از یک مدل تصمیم‌گیری جمعی استفاده شد که در آن قدرت چانه‌زنی علاوه بر متغیرهای سطح خانواده، بر اساس شاخص‌های نابرابری جنسیتی در سطح استان نیز سنجیده شد. داده‌های سطح خانواده از پرسش‌نامه آمارگیری از هزینه و درآمد خانوار (۱۳۸۹) و داده‌های سطح استان از مطالعه بررسی شاخص‌های چندگانه سلامت و جمعیت (۱۳۸۹)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، و همچنین داده‌های موجود در سالنامه‌های آماری بین سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۸۹ جمع‌آوری شده‌اند. داده‌ها ساختار دو سطحی داشتند. اطلاعات ۱۳۰۸۸ خانواده ایرانی با حداقل یک فرزند بزرگتر از یک سال از ۳۰ استان ایران استخراج شد. با استفاده از این داده‌ها، یک تابع رگرسیون دو سطحی لاجیت با اثرات فردی تصادفی تصریح شد.

واژگان کلیدی: قدرت چانه زنی، عوامل اقتصادی، فرزند دوم، ایران.

*استاد، گروه علوم مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

**دانشجوی دکتری اقتصاد سلامت، گروه علوم مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
m.moeini1387@gmail.com

***استادیار، گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

عوامل مؤثر بر تعداد فرزندان زنده بدنیا آمده زنان ازدواج کرده ۴۹-۱۵ ساله در ایران: کاربرد یک مدل چند سطحی

سراج‌الدین محمودیانی*

چکیده

هدف از مقاله حاضر بررسی عوامل مؤثر بر تعداد فرزندان زنده بدنیا آمده زنان ازدواج کرده ۴۹-۱۵ ساله ایرانی با استفاده از مدل خطی سلسله مراتبی (HLM) می‌باشد. وضعیت اشتغال، وضعیت سواد و محل سکونت، متغیرهای سطح فردی بودند که از داده‌های خام ۲ درصد سرشماری سال ۱۳۹۰ اقتباس گردید. در سطح ۲ که داده‌های استانی را در بر می‌گیرد از سه متغیر میانگین سن زنان در اولین ازدواج، درصد شیوع استفاده از وسایل پیشگیری و سطح توسعه استان‌ها استفاده گردید. نتایج بررسی نشان داد که واریانس تعداد فرزندان زنده بدنیا آمده در بین استان‌ها تفاوت معناداری دارد. همچنین معلوم شد که متغیرهای سطح ۲ بیش از ۷۳ درصد از واریانس بین استانی متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. محل سکونت، وضعیت اشتغال و وضعیت سواد با کنترل سن زنان، اثر معناداری بر تعداد فرزندان زنده بدنیا آمده داشتند و البته میزان اثرگذاری این متغیرها بر باروری در بین استان‌ها تفاوت معناداری داشت. بعلاوه، یافته‌ها نشان داد که هر سه متغیر سطح دو بر ضریب اثرگذاری متغیر وضعیت سواد و وضعیت اشتغال بر متغیر وابسته اثر معناداری دارد، و این در حالی بود که متغیر محل سکونت فقط از سطح توسعه استان اثرپذیر بود. در مجموع نتیجه گرفته شد که سطح توسعه استان در مقایسه با سایر متغیرهای تحقیق، تعیین کننده مهمتری در رفتار باروری است.

واژگان کلیدی: زنان ازدواج کرده، باروری، سطح توسعه استان، تحلیل چند سطحی، مدل خطی سلسله مراتبی، ایران.

ترجیحات باروری در زوجین در آستانه ازدواج مراجعه کننده به مراکز بهداشتی دارای کلینیک مشاوره پیش از ازدواج در شهر مشهد

طلعت خدیوزاده*

الهام ارغوانی**

چکیده

میزان باروری کل در ایران با کاهشی شدید از ۶/۸ در سال ۱۹۶۶ به سطح ۱/۸ در حال حاضر رسیده است. میزان باروری آتی بستگی به ترجیحات باروری زوجینی جوانی دارد که در آینده به باروری مبادرت خواهند نمود. بر این مطالعه حاضر با هدف بررسی ترجیحات باروری در زوجین در آستانه ازدواج در شهر مشهد انجام شد. این مطالعه مقطعی-تحلیلی بر روی ۴۵۰ زوج در آستانه ازدواج مراجعه کننده به مرکز بهداشتی دارای کلینیک مشاوره پیش از ازدواج در شهر مشهد انجام شد. روش نمونه‌گیری آسان و روش گردآوری داده‌ها پرسشنامه ترجیحات باروری میلر (۱۹۹۵) بود. میانگین نمره تمایل به فرزندآوری در زوجین بر اساس مقیاس درجه‌بندی عددی از (۱ تا ۱۰) معادل $(5/58 \pm 2/88)$ ، میانگین تعداد دلخواه فرزند ($2/37 \pm 1/11$)، میانگین تعداد دلخواه فرزند دختر $(1/14 \pm 0/636)$ ، میانگین تعداد دلخواه فرزند پسر $(1/22 \pm 0/679)$ و میانگین فاصله دلخواه ازدواج تا تولد فرزند اول $(31/01 \pm 20/64)$ ماه بود. ۸/۲٪ زوجین یک فرزند، ۶۴/۳٪ دو فرزند، ۱۲/۷٪ سه فرزند و ۱۳/۸٪ زوجین فرزندان بیشتری ترجیح می‌دادند. تمایل به فرزند در مردان بطور معناداری بیشتر از همسرانشان بود ($p=0/002$). برخی از عوامل موثر را نام ببرید. یافته‌های این مطالعه را می‌توان در تدوین سیاست‌ها و مداخلاتی که با هدف اصلاح ترجیحات باروری و بهبود شاخص‌های جمعیت و باروری در کشور طراحی می‌شوند و همچنین در ارائه خدمات و مشوره بهداشت باروری به زوجین بکار گرفت.

واژگان کلیدی: ترجیحات باروری، مشاوره قبل از ازدواج، باروری، سیاست‌ها.

* دکترای بهداشت باروری، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد khadivzadehT@mums.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد؛ دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. Elham.arghavanil@gmail.com

واکاوی عوامل زمینه سازتصمیم تک فرزندی در زنان و مردان ساکن تهران، یک مطالعه کیفی

فریده خلیج آبادی فراهانی*

حسن سرایی**

چکیده

این مطالعه با هدف کشف دلایل و انگیزه زنان و مردان ساکن تهران برای داشتن تنها یک فرزند و شناسایی عوامل زمینه ساز تصمیم تک فرزندی انجام شده است. در حقیقت این مطالعه به این سؤال پاسخ می دهد که "چرا زنان و مردان ساکن تهران تصمیم می گیرند فقط یک فرزند داشته باشند؟". این تحقیق به روش کیفی با رویکرد تفسیری پایه و با استفاده از تکنیک مصاحبه عمقی در سال ۱۳۹۱ بعنوان بخشی از یک تحقیق با رویکرد ترکیبی بر روی تک فرزندی در تهران انجام شد. جامعه آماری این تحقیق عبارتند از زنان و مردان در شرف ازدواج یا ازدواج کرده همسر دار بدون فرزند، زنان و مردان همسر دار دارای یک فرزند زیر ۵ سال و زنان و مردانی که در پایان دوره باروری خود بوده و صاحب یک فرزند بوده و فرزند دیگری ندارند و ساکن تهران می باشند. در این مطالعه، ۱۴ مصاحبه عمقی نیمه ساختار یافته با زنان و مردان سنین باروری بدون فرزند و دارای یک فرزند (در دوره باروری و در پایان دوره باروری) انجام شد. نمونه گیری هدفمند از نوع نظری و به روش گلوله برفی انجام شد. روش تحلیل محتوایی قراردادی با رویکرد استقرایی برای تجزیه و تحلیل داده ها انجام شد. داده ها با استفاده از نرم افزار MAXQDA10 کدگذاری باز شده و براساس اشتراکات مفهومی، کدها بر اساس معانی مشترک ظاهری در قالب زیر طبقه ها و طبقه های اصلی دسته بندی گردیدند. نتایج نشان داد که تصمیم افراد برای داشتن تنها یک فرزند "راهکار و استراتژی خاصی است برای ایجاد تعادل بین شرایط فردی، زناشویی، خانوادگی و محیطی". این تصمیم حاصل تعامل بین درون مایه های فرعی استخراج شده از تحلیل داده ها می باشد این درون مایه ها عبارتند از: "تمایلات و مهارت های فردی"، "فضای زناشویی"، "فضای خانواده" و "فضای جامعه". درون مایه تمایلات و مهارت های فردی شامل طبقات "خود کارآمدی فردی در کنترل باروری"، "احساسات و عواطف و نگرانی ها (حیطه شناختی)" و "آیده آل ها، باورها و نگرش ها (حیطه نگرشی)" می باشد. درون مایه فضای زناشویی شامل طبقه "شرایط مساعد زندگی زناشویی" است. درون مایه فضای خانواده شامل طبقه "ساختار حمایتی خانواده" می باشد و در نهایت درون مایه فضای جامعه شامل طبقه "ساختار حمایتی سازمانی، اجتماعی، فرهنگی جامعه" می باشد. بنابراین زنان و مردان، برای ایجاد تعادل بین شرایط فردی و اجتماعی (زناشویی، خانوادگی، و محیطی) تک فرزندی را انتخاب می کنند تا از نظر خود، هم جانشینی برای خود داشته باشند و موجب بقای نسل خود شوند و از نظر روحی و روانی، نه از نظر مادی، از مزایای فرزند بهره مند گردند، و هم از نظر اجتماعی بتوانند در راستای هنجارهای اجتماعی و خانوادگی گام بردارند و پاسخگوی هنجارها اجتماعی و خانوادگی باشند و در عین حال، بتوانند در راستای فردگرایی و استقلال فردی، به پیشرفت فردی و اجتماعی مورد نظر دست یافته و در پرداختن به لذات فردی و کسب منافع شخصی و سرمایه گذاری اقتصادی شامل تحصیلات و اشتغال، موفق عمل کنند. شناخت بخشی از این عوامل که قابل مداخله باشد، می تواند در نهایت در سیاست گذاری های جمعیتی برای تشویق فرزند دوم کمک کند.

واژگان کلیدی: تک فرزندی، مطالعه کیفی، تهران، تصمیم تک فرزندی.

faridehfarahani@yahoo.com

* استادیار موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور f.farahani@psri.ac.ir

**استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی hsaraie@yahoo.com

نشست چهارم:
خانواده، مسیر زندگی و روابط بین نسلی

بررسی رابطه بین نسلی در ایران در دو دهه اخیر

صمد شه‌نهاد*

اسماعیل شریفی**

چکیده

به نظر می‌رسد که خانواده یکی از کانون‌های تغییرات ارزشی جامعه محسوب می‌شود که در آن دو نسل «قدیم» و «جدید» با ارزش‌های مشترک و یا متفاوت هم‌زیستی دارند. در دوران نوین و در جوامع صنعتی، ماهیت و اشکال ازدواج و پیامدهای اجتماعی آن در خانواده و جامعه، اشکال، ساختار و ارزش‌های خانواده و به طور کلی الگوهای همسرگزینی و نظام خانواده تحت تأثیر صنعتی شدن دچار تغییر و تحول شده و در جوامع رو به توسعه با آهنگی آرام در حال تغییر است. از جمله، امروزه شبکه خویشاوندی مبتنی بر تبار و طایفه در اکثر جوامع تأثیر خود را از دست داده است. ترویج ازدواج‌های غیرخویشاوندی به جای ازدواج‌های مبتنی بر خویشاوندی، به ویژه در نقاط شهری، روابط اجتماعی، روابط بین گروهی، رشد شخصیتی و بهبود نسل را دستخوش تغییر نمود.

در دو دهه اخیر خانواده در ایران به لحاظ ساختاری و کارکردی و نیز جمعیتی دستخوش تغییر بوده است که این تغییر، خود ناشی از تغییر نظام اجتماعی از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی و به دنبال آن تضعیف خانواده گسترده و شکل‌گیری خانواده هسته‌ای است. شکل جدید خانواده ارزش‌های جدیدی را نیز به همراه خود به همراه داشت که متفاوت از ارزش‌های خانواده گسترده و سنتی است. با توجه به عوامل بیرونی اثرگذار بر خانواده و افزایش جمعیت جوان و نیازهای آنان، جامعه ایرانی با تفاوت نسلی روبرو شده است و جوانان به عنوان یک گروه اجتماعی از لحاظ نحوه گذران اوقات فراغت، دوست‌یابی، علایق و نیازها با والدین خود تفاوت دارند. دگرگونی‌های ارزشی خانواده‌ها و نسل‌ها، یکی از عناصر کلیدی نظام فرهنگی جامعه به شمار می‌رود که شناخت آنها، نقش بسزایی در شناسایی تحولات فرهنگی دارد. مطالعه تحول و تغییر ارزشی، روشی برای شناخت تحولات اجتماعی عمده است. در این مقاله سعی شده است این تفاوت نسلی همراه با عوامل تأثیرگذار و پیامدهای آن در دو دهه اخیر بررسی شود.

واژگان کلیدی: رابطه نسلی، تغییرات ارزشی، جوانان، سالمندان، ایران

*samad_shahnehad@yahoo.com

* دکتری جامعه‌شناسی جمعیت از دانشگاه ملی آذربایجان

** دکتری جامعه‌شناسی و مدرس دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی.

تحولات خانواده از منظر تمایلات و رفتار فرزندآوری در سه نسل زنان در استان سمنان

حجیه‌بی‌بی رازقی نصرآباد*

حسن سرایی**

چکیده

در چند دهه اخیر جامعه ایران تغییرات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را تجربه کرده است. بی تردید همسو با روند تحولات اقتصادی - اجتماعی، خانواده ایرانی نیز در جریان تغییرات و تحولات قابل توجهی قرار گرفته است. در این مطالعه تغییرات خانواده، از منظر تغییرات و دگرگونی‌ها در تمایلات و رفتار باروری، در قالب سه نسل جوان، میانسال جوان و میانسال ارشد بررسی می‌شود. روش تحقیق، پیمایشی است. جامعه‌ی آماری ۴۰۵ زن ازدواج کرده ساکن در استان سمنان است. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه ساخت یافته است. در این مطالعه، تفکیک نسل بر اساس گروه‌های سنی انجام شده و زنان زیر ۳۰ سال به عنوان نسل جوان، زنان ۳۰-۳۹ سال به عنوان میانسال جوان و زنان ۴۰-۵۰ سال به عنوان میانسال ارشد در نظر گرفته شده است. بر اساس یافته‌های مطالعه، علاوه بر تفاوت‌های نسلی در مشخصه‌هایی نظیر سطح تحصیلات و وضعیت شغلی در رفتارها و تمایلات باروری سه نسل نیز تفاوت وجود دارد. درصد بالای ازدواج خویشاوندی، ارزش بالای فرزندآوری به جهت منافع اقتصادی و حمایتی از ویژگی‌های نسل میانسال ارشد است. در مقابل تأخیر در ازدواج، کاهش ازدواج خویشاوندی، تأخیر در تولد اول و نگرش منفی به ارزش اقتصادی فرزندان از ویژگی‌های نسل جوان است. نتایج آزمون آماری دلالت بر وجود روابط و تفاوت معنی‌دار در تمایلات و رفتار باروری در میان سه نسل جوان، میانسال جوان و میانسال ارشد دارد. در مجموع نتایج مطالعه گویای این است که ملازم با تغییرات اجتماعی، تغییرات محسوسی در زمینه تمایلات و رفتار فرزندآوری در سه نسل پدید آمده است. با این حال باید توجه داشت که نسل جوان نیز که بیش از هر نسل دیگر ارزشها و رفتارهای مدرن فرزندآوری را تولید می‌کند، اهمیت زیادی به فرزندآوری و تشکیل خانواده می‌دهد و چون به ارزش عاطفی فرزندان اهمیت می‌دهد بنابراین فرزندآوری یکی از اهداف نسل جوان است.

واژگان کلیدی: خانواده، باروری، تمایلات باروری، نسل، سمنان.

* استادیار موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور hrnrazeghi@yahoo.com

** استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی hsaraie@yahoo.com

تجربیات دوران کودکی و نگرش به شکل‌گیری خانواده

علی قاسمی اردهائی*

رضا نوبخت**

حمیده ثوابی***

چکیده

خانواده به‌عنوان بنیادی‌ترین نهاد جامعه، امری فرهنگی است که شکل‌گیری آن از طریق کنش‌های اجتماعی گذشته و حال اعضای خانواده صورت می‌گیرد. تجربیات و شرایط اجتماعی - محیطی دوران کودکی می‌تواند قسمتی از نیات و اولویت‌های سن ازدواج، تعداد فرزندان، زمان‌بندی بین فرزندان و سایر مولفه‌های پویایی خانواده به‌ویژه برای زنان را تحت تأثیر قرار دهد. با این هدف، در این مقاله سعی شده است نگرش مادرانی با دوران کودکی متفاوت، در زمینه مولفه‌های مهم در پویایی خانواده مورد بررسی قرار گیرد. با به‌کارگیری روش پیمایش، داده‌های لازم از ۷۱۰ زن همسر دار ۱۵ الی ۵۰ ساله ساکن در شهرهای تبریز و اهر که دوران کودکی خود را در چهار مقطع تاریخی؛ تا سال ۱۳۵۰، ۱۳۵۰ الی ۱۳۵۷، ۱۳۵۸ الی ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ الی ۱۳۷۳ گذرانده‌اند، به‌دست آمده است. تفاوت در ویژگی‌های تحصیلی و شغلی در بین کوهورت‌های چهارگانه نشان از تفاوت فضای اجتماعی دوران کودکی آنهاست. این امر موجب گردیده است پاسخگویان متعلق به کوهورت‌های مختلف، برداشت‌های متفاوتی از زمان شکل‌گیری خانواده، ارزش فرزندان، تعداد فرزندان و ترجیح جنسی فرزند داشته باشند. در زمینه شاخص‌های ارزش فرزندان، نگرش نسل‌های قبل از سال ۱۳۵۰ با بعد از ۱۳۶۵ و نسل‌های انقلاب با جنگ نزدیک‌تر است. درصد موافقت با سقط جنین به‌عنوان یکی از راه‌های جلوگیری از بارداری و نیز تک فرزندی در نسل‌های جدید بیشتر از قدیمی است. برعکس، درصد موافقت با ترجیح جنسی فرزند و نیز فرزند دلخواه سه و بیشتر در نزد نسل‌های جدید کمتر از قدیمی‌هاست. در برخی از رفتارهای جمعیتی دیگر، یک هم‌گرایی در بین چهار نسل مورد مطالعه ملاحظه می‌شود. این نگرش‌های جمعیتی زنان در ارتباط با ساختار خانواده، می‌تواند در شکل‌دهی رفتار جمعیتی فرزند(ان) وی موثر باشد که این موضوع در تحولات خانواده ایرانی یک امر و مسئله مهمی خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: دوران کودکی، نگرش به سن ازدواج، نگرش به باروری، تفاوت‌های نسلی، زنان ازدواج کرده.

* دکتری جمعیت‌شناسی و هیئت علمی دانشگاه پیام نور / ardahaee@ut.ac.ir
** دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران و هیئت علمی دانشگاه پیام نور / r.nobakht@ut.ac.ir
*** کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی / savabi333@yahoo.com

نگاهی جامعه‌شناختی به بعد پنهانی از خشونت‌های خانگی: ولی‌آزاری

سهیلا صادقی فسایی*

الهه شعبانی افارانی**

چکیده

مطالعه‌ی حاضر در چارچوب سنت پژوهش‌های کیفی درصدد است درک و تصور والدین از رفتارهای خشونت آمیز فرزندان را به عنوان شکل پنهان خشونت‌های خانگی مطالعه کند. یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های عمیقی که با ۴۰ نفر از والدین تهرانی انجام شد نشان می‌دهد شیوع پدیده‌ی ولی‌آزاری در خانواده‌ها آن را تبدیل به یک مسئله‌ی اجتماعی کرده است، به طوری که خشونت فرزندان علیه والدین جزء تجربه‌ی ولی‌گری افراد با پایگاه‌های اجتماعی-اقتصادی متفاوت شده است. طرح موضوع خشونت فرزندان علیه والدین نشان می‌دهد رواج سه ایدئولوژی "تقدس خانواده"، "تقدس ولی‌گری مبتنی بر حمایت" و "اهمیت توفیق والدین در ازدواج" موجب انکار این مسئله توسط والدین شده و حتی باعث می‌شود محققین مطالعات خانواده نیز از این شکل پنهان و نسبتاً جدید خشونت‌های خانگی غفلت کنند. گرچه انجام این تحقیق می‌تواند مشارکت نظری خاصی در حوزه‌ی ولی‌آزاری داشته باشد اما در عین حال نتایج به علت محدود بودن حجم نمونه، قابلیت تعمیم‌پذیری ندارند.

واژه‌های کلیدی: خشونت خانگی، ولی‌آزاری، پدر و مادر بودن.

ssadeghi@ut.ac.ir
elaheshabani1@gmail.com

* دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران
** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان

نشست پنجم:
انحلال زناشویی، طلاق و بیوگی

مطالعه روند تحولات شاخص‌های طلاق و عوامل موثر در طلاق‌های سال اول زندگی در ایران

محمد شبیری*

علیرضا ساجدی**

علیرضا زاهدیان***

چکیده

طلاق پدیده‌ای است که در طول یک قرن گذشته در سطح جهان روند روبه رشدی داشته است. روند تحولات دهه‌های اخیر طلاق در ایران با تکیه بر شاخص طلاق به ازدواج حکایت از روند افزایشی بوده است. به طوری که در سال ۱۳۷۵ از هر ۱۰۰ ازدواج حدود ۸ طلاق روی می‌داد که این میزان به ۱۸ طلاق افزایش یافته است. افزایش سهم طلاق‌های سال اول زندگی اهمیت این مسئله اجتماعی - جمعیتی را پررنگ‌تر ساخته است. نتایج اطلاعات سازمان ثبت احوال در دهه اخیر نشان داده است که سهم این نوع طلاق در دهه اخیر افزایش یافته است که به طور متوسط ۱۰٪ از کل طلاق‌ها را در بر می‌گیرد. در این مقاله سعی بر این بوده است تا نقش عوامل جمعیتی موثر بر طلاق‌های سال اول زندگی مورد بررسی قرار گیرد. به منظور نیل به اهداف این مقاله از روش تحلیل داده‌های ثانویه استفاده شده است. اطلاعات مورد استفاده در بررسی تحولات طلاق و عوامل جمعیتی موثر بر آن، بر داده‌های فردی ثبت‌شده طلاق طی دوره ۹۱-۱۳۸۳ که توسط سازمان ثبت احوال کشوری گردآوری شده است، مبتنی است. متغیر وابسته شامل طلاق سال اول زندگی و متغیرهای مستقل نیز شامل سن زوجین، اختلاف سنی به هنگام ازدواج، الگوی سنی همسرگزینی، تعلق نسلی و دوره‌های مورد مطالعه است. نتایج نشان داد که طلاق‌های سال اول زندگی در گروه‌های سنی ۱۹-۱۵ و ۲۴-۲۰ سال بیشتر است. دوره ۸۸-۱۳۸۶ بیش‌ترین سهم طلاق‌های سال اول زندگی را در اختیار دارد. نسل متولدین ۱۳۶۰ و پس از آن در مقایسه با نسل‌های مولید پیشین از سطح بالاتری برخوردار بوده است. نتایج مدل رگرسیون لجستیک در بررسی نقش عوامل جمعیتی در تبیین احتمال رویداد طلاق در سال اول زندگی نشان داد که افزایش سن مرد و زن احتمال رویداد این نوع طلاق را کاهش می‌دهد. طلاق‌هایی که در دوره دوم مطالعه (۸۸-۱۳۸۶) اتفاق می‌افتد در مقایسه با طلاق‌های دوره اول حدود ۲ برابر احتمال رویداد طلاق سال اول زندگی را افزایش می‌دهد. فاصله سنی زوجین نیز یکی از متغیرهایی است که تأثیر مستقیمی در افزایش احتمال رویداد طلاق سال اول زندگی دارد. به عبارت دیگر، با افزایش یک ساله در فاصله سنی زوجین به هنگام ازدواج حدود ۸٪ احتمال رویداد طلاق در سال اول زندگی را افزایش می‌دهد. طلاق‌های سال اول زندگی در بین زوجینی که برتری سن زن به مرد دارند و یا هم‌سن هستند در مقایسه با زوجینی که برتری سنی مرد به زن وجود دارد، ۳۰٪ بیشتر است.

واژگان کلیدی: طلاق، سال اول زندگی، فاصله سنی زوجین، تعلق نسلی.

* عضو گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی پژوهشکده آمار mshiri@src.ac.ir

** کارشناس دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال ali_sa54@yahoo.com

*** رئیس پژوهشکده آمار azahedian@src.ac.ir

تغییرات دوام زندگی و طلاق در ایران در ارتباط با آشفته‌گی‌های اقتصادی سال‌های اخیر

حسین راغفر *

رضا نوبخت **

علی قاسمی اردهایی ***

میترا باباپور ****

چکیده

تشکیل خانواده، دوام و فروپاشی آن همواره از مهمترین دل‌مشغولی‌های مطرح در حوزه علوم اجتماعی، از جمله جمعیت‌شناسی است. در سال‌های اخیر، خانواده نیز همانند سایر نهادها تحت تأثیر بی‌نظمی‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه بوده است. افزایش نسبت طلاق به ازدواج و افزایش نسبت طلاق در پنج سال اول زندگی در ده سال اخیر، بیان‌کننده آشفته‌گی و انحلال نهاد خانواده در ایران است. مرور منابع موجود در رابطه با خانواده و طلاق نشان می‌دهد کمتر به عوامل سطح کلان و نیز داده‌های سطح کلان در این زمینه توجه شده است. هدف این مقاله شناخت وضعیت طلاق و دوام خانواده‌های ایرانی و ارتباط آن با آشفته‌گی‌های اقتصادی ده ساله اخیر است. جهت سنجش متغیرهای حوزه خانواده از آمارهای ثبتي استفاده شده است. آشفته‌گی‌های اقتصادی هم با دو متغیر نرخ فقر و وضعیت بیکاری عملیاتی شده است. نرخ فقر با استفاده از داده‌های شبه پانلی هزینه-درآمد خانوار و وضعیت بیکاری با داده‌های سرشماری سنجیده شده است. یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد، روند طلاق و شیب افزایشی آن در دهه ۱۳۸۰ همگام با افزایش نرخ فقر در کشور بوده است. بررسی میزان بیکاری در دوره مورد مطالعه و ارتباط آن با دوام خانواده و نسبت ازدواج به طلاق، نشان‌دهنده رابطه معکوس است. با توجه به یافته‌ها می‌توان اظهار کرد، نابسامانی‌ها (شوکه‌ها) اقتصادی وضعیتی را ایجاد می‌کند که در این وضعیت قدرت تصمیم‌گیری و تحلیل مساله برای اعضا خانواده‌ها مشکل می‌شود. ناامنی اقتصادی به وجود آمده در ایجاد آنومی‌های اجتماعی و خمودگی خانواده‌ها نقش تعیین‌کننده دارد. بنابراین، نابسامانی و شوک‌های اقتصادی که نرخ فقر و میزان بیکاری از شواهد آن به شمار می‌آیند، از عوامل تشدیدکننده انحلال خانواده‌های ایرانی در سال‌های اخیر است. پس از طریق تعدیل مسایل اقتصادی و کاهش بیکاری، سطح طلاق در جامعه نیز واکنش معنی‌داری در جهت کاهش خواهد داشت.

واژگان کلیدی: دوام خانواده، طلاق، نسبت ازدواج به طلاق، آشفته‌گی اقتصادی، نرخ فقر، میزان بیکاری.

* دکتری اقتصاد و دانشیار در دانشگاه الزهرا.

** دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی و هیات علمی دانشگاه پیام نور rznobakht@gmail.com

*** دکتری جمعیت‌شناسی و هیات علمی دانشگاه پیام نور

**** فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه الزهرا

طلاق و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن

نریمان یوسفی*

علی پژهان**

چکیده

خانواده به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی مشروع در همه جوامع پذیرفته شده است. در حقیقت مفهوم ساختار اجتماع با مفهوم ساختار خانواده همراه است. به گونه‌ای که نابسامانی یا گسیختگی آن را می‌توان به عنوان شکست یا گسیختگی ساختار اجتماع تلقی نمود. طلاق یکی از مسائل اجتماعی عصر حاضر است که کم‌تر کسی در مورد آسیب‌زا بودن آن تردید دارد. در ایران نیز طی سال‌های گذشته تا به امروز طلاق رو به فزونی بوده و به عنوان آسیمی اجتماعی بر آن اجماع نظر است. در این راستا، بر اساس اطلاعات سازمان ثبت احوال ایران در سال ۱۳۸۵ تعداد ۹۴۰۳۹ فقره طلاق در کشور ثبت شده است که این رقم در سال ۱۳۹۰ به ۱۴۲۸۴۱ فقره رسیده است. این وضعیت نامطلوب، پژوهشگران را به کنکاش در مورد عوامل مؤثر بر طلاق ترغیب نموده است. به گونه‌ای که برخی به مطالعه متغیرهای جمعیت‌شناختی نظیر سن، تحصیلات، باروری و غیره پرداخته و گروهی نیز عوامل جامعه‌شناختی نظیر تغییرات کمی و کیفی در ساختار خانواده، شهرنشینی، توسعه انسانی و غیره را مطرح ساخته‌اند. مقاله حاضر ضمن ترکیب این دو رویکرد، با استفاده از روش تحلیل ثانویه به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر نرخ طلاق در سال ۱۳۹۰ می‌پردازد. سطح مشاهده و واحد تحلیل نوشتار حاضر استان‌های کشور است. بر اساس نتایج، شهرنشینی، باسوادی زنان، سهم زنان با تحصیلات عالی و اشتغال زنان (به صورت مستقیم) و هسته‌ای شدن خانوارها و کاهش باوری (به صورت معکوس) از جمله متغیرهای مؤثر بر طلاق شناخته شده‌اند. نتایج معادله رگرسیونی حاکی از آن است که ۷۷ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مذکور تبیین می‌شود. این به آن معنی است که بسیاری از متغیرهای سطوح خرد و میانی در سطح کلان نیز قابلیت مفهوم‌سازی و تحلیل دارند.

واژگان کلیدی: طلاق، شهرنشینی، باروری، تحصیلات عالی زنان، اشتغال زنان.

* کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی، رئیس گروه آمارهای نیروی انسانی مرکز آمار ایران

** دکتری جمعیت‌شناسی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

تاملی جامعه شناسانه بر پدیده طلاق در روند مدرن شدن خانواده در ایران

منصوره لولاآور *

چکیده

موضوع تحول خانواده در جهان معاصر از مباحث کانونی جامعه شناسی خانواده طی دهه‌های اخیر است. تکثر و تنوع سبک‌های جدید زندگی خانوادگی تحت تاثیر مدرنیته و فاصله‌گیری از شیوه‌های سنتی، الگوهای تازه‌ای از زندگی خانوادگی را در سطح کلانشهر تهران - به عنوان مادر شهر مدرن ایران - به ظهور رسانده است. در پی تحولات دهه‌های اخیر، به ویژه دهه‌های ۷۰ و ۸۰ جامعه ایران در همه عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی، شاهد تغییر سبک زندگی و گرایش این سبک به سوی شیوه‌های غربی و مدرن بوده است. این دگرگونی‌ها در عرصه زندگی خانوادگی به اشکال مختلف بروز و ظهور یافته اند و کم رنگ شدن شیوه‌های سنتی زندگی و جایگزینی سبک مدرن و اقتباس شده از غرب، روندی است که کماکان رو به تزايد و گسترش می‌باشد. از منظر جمعیت شناسی، افزایش سن ازدواج به ویژه در دختران روندی دور از انتظار نیست چرا که همگام با ارتقاء سطح تحصیلات آنان و پیدایش فرصت‌های شغلی فراوان برای زنان در جامعه‌ای که روند مدرن شدن را طی می‌کند چنین پیش بینی می‌شود که میزان وقوع ازدواج‌های سنتی (ازدواج در سنین پایین) به نحو چشمگیری کاهش یابد. اما از سوی دیگر با توجه به دگرگونی الگوهای ازدواج و انتخاب همسر و کاسته شدن از ازدواج‌های تحمیلی و ترتیب یافته سنتی و شکل‌گیری ازدواج‌های حسابگرانه و عاقلانه، می‌توان انتظار داشت که خانواده‌های جدیدالتاسیس از پایداری و استحکام نسبتاً مطلوبی برخوردار باشند. افزایش سن ازدواج و تاخیر در تصمیم به تشکیل خانواده هنگامی نگران کننده می‌شود که رشد چشمگیر آمارهای طلاق را به آن بیفزاییم. این چشمداشت، مستند و مستدل به نتایج پژوهش‌هایی است که طی چند سال اخیر در جوامع مختلف به انجام رسیده و نتایج، حاکی از آن است که حتی در روند مدرنیزاسیون و جهانی شدن، با توجه به شرایط اجتماعی - فرهنگی و به ویژه مقتضیات دینی جامعه دین مداری چون ایران می‌توان انتظار داشت که شرایط جدید به بهبود وضعیت خانواده بخصوص از حیث انسجام منجر شود.

این مقاله در پی آن است که این موضوع را در عرصه خانواده در بخش مدرن جامعه ایران (شهر تهران) مورد بررسی قرار داده و مهمترین عوامل موثر بر این تحولات را شناسایی نموده و پیامدهای تاثیرات ناشی از آن را تحلیل نماید. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که در جامعه ایران، دیدگاه دوگانه و تا حدی متناقض نما نسبت به مدرن شدن خانواده و سبک زندگی آن وجود دارد. گرچه به لحاظ برخی تحولات اجتماعی و تغییر فضاهای گفتمانی، ظرفیت‌های ذهنی جدیدی برای پذیرش سبک زندگی مدرن در افراد ایجاد شده است. افراد با توجه به تجربه زیسته و حافظه تاریخی خود، دانسته‌ها، پنداشته‌ها و سنت‌های نهادینه شده در جامعه و نیز نحوه مواجهه آن‌ها با مدرنیته، اقدام به انتخاب و گزینش نموده و روایت خود از جریان مدرن شدن را متناسب با شرایط زیست کنونی خود برمی‌سازند.

واژگان کلیدی: انسجام خانواده، تحول خانواده، طلاق، مدرنیته،

* استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران lolaavar@ut.ac.ir

ب) مقاله‌های پذیرفته شده برای ارایه در بخش پوستر

تحولات زناشویی مردان و زنان مناطق شهری و روستایی کشور در سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

حسین زرغامی*

چکیده

تغییراتی که در وضعیت زناشویی افراد یک جامعه به وجود می‌آید را می‌توان یکی از جنبه‌های مهم تغییرات خانواده به شمار آورد. سرعت تغییرات به خوبی گویای تحولات سریع خانواده در هر جامعه‌ای می‌باشد. بر این اساس، در این مقاله، تحولات وضعیت نکاحی کشور براساس داده‌های دو سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ مورد توجه قرار گرفته است. از جهت آنکه تفاوت‌ها به شکل بهتری ارایه شود تغییرات را در گروه‌های سنی و به تفکیک جنسیت در مناطق شهری و روستایی مد نظر قرار داده‌ایم. بررسی‌ها نشان می‌دهد که به رغم دوره بسیار کوتاه ۵ ساله مورد مطالعه، تحولات اما کاملاً محسوس و قابل توجه می‌باشد. سهم زنان در مقایسه با مردان از نسبت بیوه‌گی و طلاق بسیار بیشتر بوده و زنان در تمام سنین بیش از ۵ برابر مردان، بیوه هستند. در مورد طلاق هم در بیشتر سنین زنان دو برابر مردان مطلقه هستند. تنها در سنین زیر ۲۰ ساله می‌باشد که مردان بیش از زنان در وضعیت بدون همسر بر اثر طلاق قرار دارند. در مقایسه بین دو سرشماری، وضعیت بیوه‌گی چندان تغییری نکرده اما درصد مطلقه‌ها برای هر دو جنس به ویژه زنان، هم در مناطق شهری و هم مناطق روستایی رشد چشمگیری یافته است. در همین مدت، درصد تجرد (هرگز ازدواج نکرده‌ها) زنان در سنین بالای ۳۰ سالگی رشد شتابانی داشته که یکی از نتایج آن افزایش قابل ملاحظه تجرد قطعی زنان به ویژه در مناطق روستایی بوده است. علت این امر، پدیده مضيقه ازدواجی می‌باشد که به واسطه مهاجرت جوانان پسر، در مناطق روستایی از شدت بیشتری برخوردار گشته است. میانگین سن ازدواج هم به عنوان یک شاخص مهم وضعیت نکاحی، اندکی افزایش را تجربه کرده است.

واژگان کلیدی: وضعیت زناشویی، تاهل، تجرد قطعی، مضيقه ازدواجی، میانگین سن در اولین ازدواج.

* دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران - ho.zarghami@gmail.com

بررسی افزایش میزان پیش‌رسی ازدواج زنان و عوامل موثر بر آن در ایران

فاطمه ترابی*

الهام توکلی**

چکیده

موضوع ازدواج در چند سال اخیر به یکی از موضوعات مهم در عرصه‌های مختلف و برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی و اجتماعی تبدیل شده است. نتایج سرشماری ۱۳۹۰ حاکی از آن است که روند کاهشی میزان پیش‌رسی ازدواج زنان (نسبت زنان ازدواج کرده در گروه سنی ۱۹-۱۵ ساله) معکوس گردیده است. با توجه به نقش مهم زمان‌بندی ازدواج بر رفتارهای باروری و ارتباط تنگاتنگ آن با سایر نیازهای عاطفی، اجتماعی و بهداشتی، این مطالعه در نظر دارد ابعاد مختلف پدیده افزایش پیش‌رسی ازدواج زنان را مورد مطالعه قرار دهد. به این منظور ابتدا با استفاده از نتایج منتشر شده سرشماری‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰ روند تغییرات میزان پیش‌رسی ازدواج در کل کشور و نیز به تفکیک مناطق شهری-روستایی و استان‌های مختلف بررسی می‌گردد. سپس با استفاده از داده‌های نمونه‌گیری ۲ درصد سرشماری ۱۳۹۰ ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی، جغرافیایی و اقتصادی زنان متاهل و هرگز ازدواج نکرده واقع در گروه سنی ۱۹-۱۵ سال مورد مقایسه قرار گرفته و عوامل موثر بر ازدواج در این دامنه سنی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. این مطالعه که پژوهشی کاربردی و تطبیقی از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد، می‌تواند با روشن ساختن الگوهای پیش‌رسی ازدواج، برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های مرتبط با ازدواج و شکل‌گیری خانواده را تسهیل نماید. نتایج اولیه حاکی از آن است که افزایش پیش‌رسی ازدواج در هر دو جمعیت روستایی و شهری اتفاق افتاده و به لحاظ تفاوت‌های استانی، بیشترین افزایش در استان خراسان رضوی و کمترین آن در استان ایلام گزارش شده است. یافته‌ها همچنین از تفاوت‌های مهم الگوی پیش‌رسی ازدواج بر حسب محل سکونت، سطح تحصیلی و وضعیت فعالیت اقتصادی حکایت دارد.

واژگان کلیدی: پیش‌رسی ازدواج، ازدواج زنان، زنان متاهل، ازدواج، ایران.

* استادیار گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران، Fatemeh_torabi@ut.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران، elhamtavakoli@ut.ac.ir

معیارهای همسرگزینی نزد دانش آموزان و دانشجویان

حیدر جانعلیزاده*

سکینه سلیمانی**

چکیده

مطالعه ای جامعه شناختی در خصوص معیارهای همسرگزینی جوانان دانش آموز و دانشجویان استان مازندران یافت نشده است. انجام چنین کاوش هایی از اهمیت فراوان و متنوعی برخوردار است. این اهمیت هم به جهت سنجش وضعیت انطباق این معیارها با عناصر فرهنگی و ارزشهای اصیل جامعه است و هم به جهت اثر بخشی این معیارها بر انسجام اجتماعی، آرامش و سعادتمندی خانواده و نیز سلامت جامعه، قابل ملاحظه و تحلیل است. هدف این مطالعه، مقایسه ی این معیارها نزد دانش آموزان و دانشجویان است. در واقع دو پرسش اساسی در این مطالعه بررسی شده است: ۱. آیا تفاوت معنی داری بین دیدگاه دانش آموزان و دانشجویان نسبت به معیارهای انتخاب همسر وجود دارد؟ و ۲. چه نوع پیوندی بین ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی این دانش آموزان و دانشجویان و معیارهای انتخاب همسر آنها وجود دارد؟ جامعه آماری آن را دانش آموزان دختر دوره ی پیش دانشگاهی مدرسه شهید باهنر آمل و دانشجویان دختر پردیس دانشگاه مازندران تشکیل می دهند. داده های تحقیق از طریق پرسشنامه محقق ساخته جمع آوری شدند و با استفاده از آماره های مناسب ضمن بکارگیری برنامه SPSS تحلیل گردیدند. برخی از یافته های مهم این پژوهش عبارتند از:

هر دو گروه دانش آموزان و دانشجویان به داشتن شغل مناسب همسر آینده به یک اندازه تأکید داشتند. در حالیکه از نظر دانشجویان با ایمان بودن همسر و همشهری بودن وی به ترتیب از بیشترین و کمترین اهمیت برخوردار بود، در نظر دانش آموزان، مهمترین معیار، معیار اخلاقی و اقتصادی دانسته شده و کمترین اولویت به به معیار ظاهری مربوط گردید. تفاوت معنی داری بین دیدگاه دانش آموزان و دانشجویان نسبت به اهمیت معیار اقتصادی برای همسر ایده آل آینده وجود داشته است. همبستگی ضعیفی بین برخی ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی جمعیت مورد بررسی و معیارهای آنها برای انتخاب همسر وجود داشته است.

واژگان کلیدی: معیارهای انتخاب همسر؛ نظریه های اجتماعی؛ جوانان؛ دانش آموزان؛ دانشجویان

* . د نسیار جامعه شناسی گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران (HJC@UMZ.AC.IR)

** . کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه علامه طباطبائی soleimani.s65@gmail.com

تفاوت‌های روستا-شهری سن ازدواج و تعیین کننده های آن (مورد مطالعه: افراد در شُرُف ازدواج مراجعه کننده به مراکز بهداشتی منتخب شهر کرمانشاه)

حسین محمودیان*

سراج‌الدین محمودیانی**

چکیده

هدف از بررسی حاضر مطالعه برخی عوامل مؤثر بر سن ازدواج افراد به تفکیک نقاط شهری روستایی است. داده‌های مورد استفاده در این مطالعه نتیجه یک پیمایش می‌باشد که در فروردین ۱۳۹۲ در شهر کرمانشاه اجرا شده است. جمعیت آماری در این تحقیق کلیه افراد در شُرُف ازدواجی است که جهت انجام آزمایش پزشکی قبل از ازدواج به مراکز بهداشتی منتخب سطح شهر مراجعه می‌کردند و نمونه آماری شامل ۴۰۰ نفر از افراد مذکور بود. نتایج روابط دو متغیره نشان داد که سطح تحصیلات، وضعیت اشتغال، پایگاه خانوادگی و سن والدین هنگام ازدواج اثر معناداری بر سن ازدواج شهری‌ها دارد. در روابط چند متغیره با کنترل سایر متغیرها و متغیر جنس مشخص شد که سن والدین هنگام ازدواج معناداری خود را از دست می‌دهد اما سایر متغیرها معناداری خود را حفظ کرده بودند. همچنین یافته‌ها نشان داد که تنها متغیر وضعیت اشتغال با سن ازدواج روستایی‌ها رابطه معناداری دارد اما در آزمون چند متغیره مشخص گردید که سطح تحصیلات و پایگاه خانوادگی افراد رابطه معناداری با سن ازدواج روستاییان دارد و اشتغال معناداری خود را از دست داده است. با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده نیز نتیجه گرفته شد که متغیرهای مورد بررسی بترتیب حدود ۴۰ و ۳۵ درصد از تغییرات سن ازدواج شهری‌ها و روستایی‌ها را تبیین می‌کنند.

واژگان کلیدی: سن ازدواج، محل سکونت، وضعیت اشتغال، سطح تحصیلات، پایگاه خانوادگی

*دانشیار جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران

**دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران

بررسی مضيقه ازدواج در ايران

مسعود كوچانی اصفهانی*

محمد شكفته گوهری**

فاطمه ترابی***

چکیده

بحث مضيقه ازدواج يا عدم تعادل تعداد مردان و زنان واقع در سن ازدواج در اثر تغييرات ساختار سنی جمعيت کشور مورد توجه تعدادی از پژوهشگران قرار گرفته است. هدف اين پژوهش به روز کردن اطلاعات موجود در مورد وضعیت مضيقه ازدواج در ايران بر اساس نتايج آخرين سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰ می باشد. به منظور دستیابی به تحليلی دقيق از مضيقه ازدواج، علاوه بر بررسی نسبت های جنسی و مقایسه های توصیفی، از شاخص فراهمی جفت (AR) و شاخص مقایسه ای شانس ازدواج (COR) نیز استفاده شده است. اين شاخص ها بر اساس تعاریف مختلف بازار ازدواج و با توجه به فرض های متفاوت در مورد دامنه سنی و سطح تحصیلی همسران، برای زنان و مردان در کل کشور و نیز به تفکیک مناطق شهری-روستایی محاسبه شده اند. نتايج پژوهش حاضر نشان می دهد که تعريف محدود بازار ازدواج (محدود کردن دامنه سنی شوهران بالقوه به گروه سنی بالاتر از زنان و سطح تحصیلی شوهران بالقوه به سطوح تحصیلی همانند يا بالاتر از زنان) تداوم مضيقه ازدواج برای زنان و به ویژه زنان دارای تحصیلات عالی را تاييد می کند. اما با توجه به شواهد موجود در مورد انعطاف پذیری بازار ازدواج ايران نسبت به تفاوت های سنی و تحصیلی زوجین، چنین فرضی در مورد بازار ازدواج ايران واقعی به نظر نمی رسد. يافته های اين پژوهش نیز نشان می دهد که گسترش دامنه سنی و سطح تحصیلی همسران بالقوه، از شدت مضيقه ازدواج می کاهد. به اين ترتيب، تغييرات اخير ازدواج در ايران را باید بیش از تغييرات ساختار سنی، در عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جستجو نمود.

واژگان کلیدی: ازدواج، مضيقه ازدواج، شاخص فراهمی جفت، شاخص مقایسه ای شانس ازدواج، ايران.

* دانشجوی کارشناسی ارشد جمعیت شناسی دانشگاه تهران، masoudkuchani@ut.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد جمعیت شناسی دانشگاه تهران، mohammad.gohari@ut.ac.ir

*** عضو هیأت علمی گروه جمعیت شناسی دانشگاه تهران، fatemeh_torabi@ut.ac.ir

تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی موثر بر آن با نگاهی به سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰

رضوان مشاهری فرد*

چکیده

ازدواج واقعه ای است اجتماعی، زیستی و فرهنگی است که به دلیل نقش بنیادین آن در تشکیل خانواده از اهمیت بسزایی برخوردار است، به طوری که پایداری گروه و زندگانی کمی و کیفی نسل های متوالی به ازدواج بستگی دارد. ازدواج یکی از نهادهای اجتماعی است که برای انجام وظایف خانواده یعنی تولید نسل، پرورش کودکان، انتقال فرهنگ و وسیله ای برای ایجاد نظم در روابط افراد به وجود آمده است. سن قانونی و همچنین الگوی ازدواج در جوامع متفاوت و با توجه به انواع فرهنگ ها متفاوت است. در سالهای اخیر با افزایش سن ازدواج زنان و همچنین رشد پایگاه های اقتصادی - اجتماعی آنان الگوی ازدواج در جامعه دستخوش تغییرات فراوانی گردیده است. این مقاله نگاهی دارد به تغییرات و روند سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی تاثیر گذار بر این تغییرات با نگاهی به آمارهای سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ و مقایسه با سرشماری پیشین (سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵) است.

واژگان کلیدی: سن ازدواج؛ پایگاه اقتصادی - اجتماعی؛ عمومیت ازدواج؛ اختلاف سن زوجین؛ سرشماری ۱۳۹۰.

* کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی (گرایش روزنامه نگاری)، کارشناس نشر الکترونیک مرکز آمار ایران
REZVAN271355@yahoo.com

چالش‌های اقتصادی- اجتماعی جوانان و ایده‌آل‌های خانواده:
مورد مطالعه افراد ۲۹- ۱۵ ساله شهر سنندج

سعید خانی*

حسین محمدزاده**

سید محمد موسوی***

چکیده

جوانان ایران هم‌اکنون سهم بزرگی از جمعیت را به خود اختصاص می‌دهند. ایده‌آل‌ها و رفتارهای جمعیتی این بخش از جمعیت، نقش مهمی در پدیده‌ها و نهایتاً معادلات جمعیتی جامعه دارد. مطالعه حاضر، پاره‌ای از چالش‌های اقتصادی- اجتماعی، و ایده‌آل‌های ازدواج و فرزندآوری را در میان جوانان شهر سنندج بررسی کرده است. داده‌های تحقیق منبعث از پیمایشی است که با عنوان پیمایش ملی جوانان توسط سازمان ملی جوانان و دانشگاه تهران در زمستان ۱۳۹۲ و در بین ۲۴۰ نفر از افراد ۲۹- ۱۵ ساله انجام گرفته است. تحلیل اطلاعات مرتبط با موضوع گویای این است که اشتغال، مسائل مالی- اقتصادی، فقدان چشم‌انداز روشن درباره آینده و مسائل مرتبط با ازدواج از مهم‌ترین چالش‌های جوانان حوزه مورد مطالعه به شمار می‌رود. البته، این چالش‌ها برحسب زمینه‌های جمعیتی افراد متفاوت بوده و در جهات متفاوتی نیز بر ایده‌آل‌های ازدواج و فرزندآوری آنان اثرگذار می‌باشند. همچنین، جوانان اهمیت زیادی برای دولت، خانواده و سایر سیاست- گزاران در حل مسائل خود قائل شده و در این راستا، پیشنهادهایی ارائه شده است که دلالت بر سیاست‌گذاری و توجه و اهتمام بیشتر به این قشر عظیم و نیروی ارزشمند جامعه دارد.

واژگان کلیدی: جوانان، مسائل اقتصادی- اجتماعی، ایده‌آل‌های ازدواج، ایده‌آل‌های فرزندآوری، سنندج.

*. دانشجوی دکترای جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران: saeedkhani@ut.ac.ir

**. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور استان کردستان: H.mohammadz11@gmail.com

***. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور استان زنجان.

پنجاه سال تحول جمعیت شناختی ازدواج : با تاکید بر استان کرمانشاه (۱۳۹۰-۱۳۴۵)

سعیده شهبازین*

چکیده

طی چند دهه اخیر، شاخص های مختلف مربوط به ازدواج در اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان و از جمله ایران دستخوش تغییرات اساسی شده است. هدف اصلی این مقاله بررسی تحولات شاخص های زناشویی در سطح استان کرمانشاه بر اساس داده های سرشماری های عمومی نفوس و مسکن در سال های ۹۰-۱۳۴۵ است. در این مقاله با استفاده از نتایج سرشماری و داده های آماری ازدواج و طلاق، وضع زناشویی جمعیت استان کرمانشاه و تغییرات آن در چند دهه گذشته بررسی و تجزیه و تحلیل شده است. نتایج یافته های این مقاله نشان داد که میانگین سن در اولین ازدواج استان کرمانشاه در بین مردان پس از روندی کاهشی تا سال ۱۳۶۵ در دهه اخیر افزایش داشته و برای مردان از ۲۳ در سال ۱۳۶۵ به ۲۸ در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است. در مقابل، میانگین سن ازدواج زنان همواره روندی افزایش داشته و از ۱۷ سال به ۲۵ سال رسیده است. میزان عمومیت ازدواج در میان مردان استان ثابت مانده است اما عمومیت و پیشروی آن در میان زنان کاسته شده است.

واژگان کلیدی: وضع زناشویی، میانگین سن ازدواج، عمومیت ازدواج، پیشروی ازدواج.

بررسی تغییرات خانواده در گذار دوم جمعیت (مطالعه موردی شهر تهران)

سمیرا رستمی*

محسن ابراهیم پور***

مریم امینی یخدانی***

چکیده

این مقاله برگرفته از پژوهشی است که به بررسی جلوه های گذار دوم جمعیت پرداخته است. در نظریات گذار جمعیتی به تغییر در ساختار خانواده، افزایش سن ازدواج، افزایش بکارگیری ابزارهای جلوگیری از بارداری، افزایش واحد های توافقی و مولید غیر نکاحی به مثابه جلوه های گذار دوم جمعیتی پرداخته شده است. چارچوب نظری پژوهش بر انگارش ها و مفاهیم گذار دوم به ویژه دیدگاه ون دوکا (Van de Kaa) استوار است و متغیرهای فرضیات پژوهش نیز معطوف به آزمون روابطی است که در بستر تحلیلی گذار دوم جمعیتی تعریف شده اند. جامعه آماری شامل زنان ازدواج کرده ی مناطق دو و هجده شهر تهران است حجم نمونه آماری با لحاظ شدن تأثیر طرح نمونه ایی بر اساس روش تصادفی ساده معادل ۳۸۴ واحد برآورد گردید. روش پژوهش پیمایشی و رویه گردآوری اطلاعات مصاحبه ساختمند است نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها و همچنین آزمون فرضیات نمایانگر آنند که جلوه های مهم گذار جمعیتی در شهر تهران نظیر افزایش متوسط سن در اولین ازدواج، افزایش فاصله بین ازدواج و مادری، افزایش جدایی و تمایل به طلاق و کاهش میزان ازدواج اجباری به لحاظ آماری مورد تأیید است اما تفاوت های سنی، نگرشی و رفتاری بین زنان ساکن مناطق توسعه یافته تر با نواحی کمتر توسعه یافته شهر تهران معنی دار نیست. بر اساس یافته های پژوهش بر سیاست گذاری جمعیتی مناسب در راستای اتخاذ تدابیری مناسب جهت کاهش اثرات سوء گذار دوم جمعیت از جمله افزایش زنان و کودکان آسیب پذیر تأکید دارند.

واژگان کلیدی: گذار دوم، خانواده، باروری و ازدواج.

* کارشناسی ارشد جمعیت شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

** عضو هیئت علمی سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی جهاد کشاورزی

*** کارشناسی ارشد جمعیت شناسی دانشگاه علامه طباطبائی good.amini@gmail.com

بررسی دیررسی ازدواج در بین دختران و عوامل مرتبط با آن

(مورد مطالعه : دختران ۱۵ تا ۳۴ سال استان آذربایجان شرقی)

فاطمه گلابی *

مرضیه ساعی **

چکیده

تحقیق حاضر به بررسی پدیده افزایش سن ازدواج در بین دختران در استان آذربایجان شرقی پرداخته است. مقاله ی حاضر مستخرج از نتایج پژوهشی با هدف بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با دیررسی ازدواج جوانان می باشد. روش پژوهش پیمایش و جامعه آماری آن تمام زنان بین ۱۵ تا ۳۴ سال هستند که در زمان تحقیق در شهرهای مختلف استان آذربایجان شرقی سکونت داشته اند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۲۳ نفر و نوع نمونه گیری، خوشه ای چند مرحله ای بوده است. نتایج تحقیق نشان می دهد که فقط معیارها و عوامل فردی می تواند میزان دیررسی ازدواج دختران را متاثر سازد و در بقیه موارد (نهادی، فرهنگی و خانوادگی) تفاوتی در بین دختران واقع در سن دیررسی و بدون دیررسی ازدواج مشاهده نشد. براساس تحلیل تشخیصی، بررسی سهم هر یک از متغیرهای مستقل در دیررسی ازدواج دختران نشان داد که عوامل فردی با ضریب ۵۷ درصد بیشترین و عوامل خانوادگی با ضریب ۰/۰۱۶ درصد کمترین نقش را دارا می باشد. نتایج بررسی ارتباط بین متغیرهای زمینه ای و متغیر وابسته از طریق رگرسیون لجستیک نیز نشان داد متغیرهای شغل، تحصیلات و محل سکونت می تواند تاثیر مستقیم بر دیررسی ازدواج دختران داشته باشد.

واژگان کلیدی: خانواده، دیررسی ازدواج، مجرد قطعی، سن، دختران، جوانان.

* - استادیار جامعه شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی تبریز (نویسنده مسئول) f.golabi@gmail.com

** - دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهشگری اجتماعی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز marz.saei@gmail.com

بررسی جمعیت شناختی ازدواج در ایران

مسعود کوچانی اصفهانی*

چکیده

وضعیت زناشویی یکی از جنبه‌های اساسی ساخت جمعیت است. تقدم ازدواج بر باروری و نیز رابطه زناشویی و باروری، ضرورت مطالعه جمعیت شناختی ازدواج را به خوبی آشکار می‌سازد. هدف این پژوهش بررسی سطح و روند ازدواج و شاخص‌های مرتبط با آن در سال ۱۳۹۰ و مقایسه آن با سرشماری‌های گذشته می‌باشد. برای دستیابی به هدف مذکور از روش تحلیل داده‌های موجود داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار استفاده شده است. طبق سرشماری ۱۳۹۰، میانگین سن در اولین ازدواج که با استفاده از فرمول هاینل محاسبه شده است، برای مردان و زنان به ترتیب برابر با ۲۶/۷ و ۲۳/۵، پیش‌رسی ازدواج که با استفاده از نسبت درصد ازدواج کرده‌های ۱۹-۱۵ و ۲۴-۲۰ ساله بررسی شده است، برای مردان و زنان (۱۹-۱۵ ساله) به ترتیب برابر با ۲/۲ و ۲۱/۴ و عمومیت ازدواج و مجرد قطعی که بیانگر رواج ازدواج در جامعه است به ترتیب برابر با ۹۷/۶ و ۲/۴ و همچنین چندزنی که بر اساس تعداد زنان همسر دار در مقایسه با هزار مرد همسر دار محاسبه شده است برابر با ۱۰۰۴ می‌باشد. در نتیجه میانگین سن در اولین ازدواج در مقایسه با گذشته روند افزایشی و پیش‌رسی ازدواج، عمومیت ازدواج و چندزنی روند کاهشی داشته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد عمومیت ازدواج در ایران هنوز هم در سطح بالایی قرار دارد، درحالی‌که تغییر قابل ملاحظه‌ای در الگوی سنی ازدواج دیده می‌شود که می‌تواند حاکی از افزایش مجرد قطعی و کاهش عمومیت ازدواج در دهه‌های آینده باشد.

واژگان کلیدی: ازدواج، سن در اولین ازدواج، پیش‌رسی ازدواج، عمومیت ازدواج، چندزنی.

* دانشجوی کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران masoudkuchani@gmail.com

بررسی الگوی امید به زندگی مشترک و میانگین سن در اولین ازدواج (مقایسه‌ی نتایج تکنیک جدول زناشویی دوکاهشی و روش هاینل)

سجاد مسگرزاده*

چکیده

شاخص امید به زندگی مشترک بیانگر تعداد سال‌هایی است که انتظار می‌رود فرد در حالت متاهل زندگی کند. این شاخص تحت تاثیر شرایط رایج امید به زندگی و میزان‌های ازدواج در بین جمعیت است. مزیت این شاخص نسبت به شاخص هاینل این است که به طور صریح‌تری تغییرات در میزان‌های ازدواج سنی (یا گروه‌های سنی) را در خود منعکس می‌کند. برای محاسبه‌ی امید به زندگی مشترک از تکنیک جدول زناشویی دو کاهشی استفاده شده است. جمعیت شناسان برای نشان دادن گرایش جمعیت‌ها به ازدواج از اصطلاح زناشویی استفاده می‌کنند. شاید جدول زناشویی یکی از ابزارهای مهم در برآورد الگوهای سنی و جنسی ازدواج در بین جمعیت‌ها است. اطلاعات مورد نیاز از سالنامه‌ی آماری ثبت احوال کشور در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۸۵ و سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۰ و ۱۳۸۵ جمع آوری شده است. مهمترین مسئله در ارتباط با برآورد جدول زناشویی دوکاهشی محاسبه‌ی میزان‌های از نوع nqx و ستون e_x^0 است. نتایج نشان می‌دهد که امید به ازدواج بین سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ افزایش داشته است. این شاخص برای زنان در سال‌های ۹۰-۸۵ به ترتیب ۵۰-۴۸.۴ سال و برای مردان ۴۳.۸-۴۴.۶ سال برآورد شده است. همچنین میزان‌های ازدواج و احتمال ازدواج به ویژه در بین زنان و در گروه سنی ۱۹-۱۵ افزایش یافته است. از طرفی نتایج روش هاینل نشان می‌دهد که سرعت افزایش میانگین سن ازدواج در بین زنان از ۰/۰۹ در هر سال بین سال‌های ۸۵-۱۳۷۵ به ۰/۰۱ در هر سال بین سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ کاهش داشته است و نسبت تجرد به ویژه در بین زنان گروه سنی ۱۹-۱۵ در سال ۹۰ کاهش یافته است. در مجموع نتایج روش هاینل و جدول زناشویی نشان می‌دهد که الگوی ازدواج به ویژه در بین زنان در حال تغییر است.

واژگان کلیدی: جدول زناشویی، امید به زندگی مشترک، احتمال ازدواج، میانگین سن ازدواج.

*دانشجوی کارشناسی ارشد رشته‌ی جمعیت شناسی دانشگاه تهران mesgarzadeh68@ut.ac.ir

بازتاب تحولات جمعیت و خانوار ایران در بستر گذار جمعیتی

الهام فتحی*

چکیده

مطالعات نشان می‌دهد در طی نیم قرن اخیر، کشور با فراز و نشیب‌هایی در میزان‌های خام موالید و مرگ و میر رو به رو شده است. چنین تحولاتی باعث شد تا ایران پس از تجربه‌ی مراحل آغازین گذار جمعیتی، با سرعت بیشتری پا به مراحل پایانی آن بگذارد. از جمله اثرات ورود به مراحل پایانی گذار، قرار گرفتن در وضعیت هدیه جمعیتی یا پنجره‌ی جمعیتی فرصت‌ها است و انتظار می‌رود در حوالی سال ۱۴۲۰ شمسی به خط پایان پنجره جمعیتی فرصت‌ها برسد. بدیهی است تغییرات ساختارسنی جمعیت، تحولاتی را در زمینه مسائل مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و ... بوجود آورده است. از جمله این تغییرات، تحولات مرتبط با تعداد، بعد و ترکیب خانوار می‌باشد. این مقاله سعی می‌نماید با استفاده از نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن از سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ و داده‌های ثبتي تحولات جمعیت و خانوار ایران را در بستر گذار جمعیتی بررسی نماید.

واژگان کلیدی: جمعیت، خانوار، گذار جمعیتی، پنجره جمعیتی فرصت‌ها.

بررسی عوامل موثر بر میزان هسته‌ای شدن خانواده در مناطق روستایی شهرستان شاهین‌دژ

حسن حسینی*

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی عوامل مرتبط با میزان هسته‌ای شدن خانواده در مناطق روستایی شهرستان شاهین‌دژ پرداخته است. با توجه به وجود خلأ پژوهشی در زمینه‌ی میزان هسته‌ای شدن خانواده و عوامل موثر بر آن، این پژوهش با هدف بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موثر بر میزان هسته‌ای شدن خانواده انجام شد. در این پژوهش که با روش کمی و پیمایشی انجام گرفت، از پرسشنامه جهت جمع‌آوری اطلاعات، استفاده شد. جامعه‌ی آماری پژوهش، مردان متأهل مناطق روستایی شهرستان شاهین‌دژ می‌باشد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۲۱۸ نفر تعیین شد و شیوه‌ی نمونه‌گیری، خوشه‌ای می‌باشد. روایی ابزار پژوهش صوری بوده و جهت پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که متغیرهای سن همسر، تحصیلات پاسخگو، تحصیلات همسر، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، میزان فردگرایی و میزان نگرش نسبت به زنان رابطه معنی‌داری با میزان هسته‌ای شدن عاطفی خانواده داشت. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام‌به‌گام نیز بیانگر این بود که بیشترین میزان تغییر وابسته (میزان هسته‌ای شدن عاطفی خانواده)، به‌وسیله‌ی متغیر تحصیلات همسر تبیین شد. در مجموع متغیرهای وارد شده در تحلیل رگرسیون چندگانه، حدود ۴۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کردند.

واژگان کلیدی: هسته‌ای شدن خانواده، هسته‌ای شدن عاطفی، نگرش نسبت به زنان، تحصیلات، فردگرایی.

* - کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز hassan.hosseini23@yahoo.com

تحلیل مقدماتی گذار خانوار در طی ۵۰ سال گذشته

محمود مشفق*

پریسا فتاح پور**

سارا حیدری***

چکیده

در این مقاله برخی ابعاد جمعیت شناختی گذار خانوار در ایران طی سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ مطالعه شده است و تحولات بعد خانوار، تحولات انواع خانوار و عوامل جمعیتی مرتبط با آن با استفاده داده های سرشماری، مورد بررسی قرار گرفته است در این مطالعه از روش تحلیل ثانویه استفاده شده است. هدف این است که بررسی شود طی دوره گذار جمعیتی از سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ بعد خانوار و سایر ویژگی های خانوار در ایران چه تغییرات و تحولاتی نموده است. نتایج حاصل از این مطالعه نشان میدهد که در گذار جمعیتی در ایران شکل خانواده از گسترده به هسته ای رسیده است. این مطالعه نشان می دهد بعد خانوار در ایران رو به کاهش بوده است، اما سرعت کاهش بعد خانوار در مناطق روستایی بیشتر بوده است، که دلیل آن می تواند عامل مهاجر فرستی مناطق روستایی باشد. همچنین نتایج نشان می دهد همواره خانوارهای چهار نفره به بالا رو به کاهش و خانوارهای تک و دو سه نفری رو به افزایش بوده است. بطور کلی این مطالعه نشان می دهد که خانوار و خانواده ایرانی از لحاظ ضریب بقا؛ بعد حجمی، بعد ترکیبی در حال تغییر و تحول بوده است، این تغییرات همچنان تداوم دارد، که در نهایت منجر به شکل جدیدی از حیات نهاد خانواده در ایران خواهد شد.

واژگان کلیدی: بعد خانوار، ترکیب خانوار، انواع خانوار.

* عضو هیئت علمی موسسه مطالعات و مدیریت جامع جمعیت کشور m_moshfegh@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد جمعیت شناسی دانشگاه علامه طباطبائی pfatahpour@yahoo.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد جمعیت شناسی دانشگاه علامه طباطبائی s.heydaris98@yahoo.com

شکاف جنسیتی سرپرستان خانوار در ایران (تحلیل جمعیت‌شناختی زنان سرپرست خانوار با توجه به شاخص‌های مختلف جمعیتی)

راضیه صالحی‌فر*

محمد رضا برومندزاده**

چکیده

زنان از جمله گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه هستند که گاه عواملی چون طلاق، فوت، اعتیاد و از کارافتادگی همسر و رها شدن توسط مردان، موجب آسیب‌پذیری این طیف وسیع از جامعه می‌شود. این گروه از زنان که با عنوان زنان سرپرست خانوار یا خودسرپرست در جامعه نامیده می‌شوند، با مسائل، مشکلات و موانع زیادی در زندگی مواجهند. از این رو بررسی وضعیت زنان سرپرست خانوار در جهت شناسایی و رفع مشکلات زندگی آن‌ها به ویژه مشکلات مالی، امری ضروری می‌نماید. در این مطالعه با استفاده از داده‌های خام ۲ درصد سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، به بررسی و تحلیل جمعیت‌شناختی زنان سرپرست خانوار در ایران پرداخته و بعضی شاخص‌های مهم جمعیتی بررسی گردید. طبق نتایج به دست آمده، شکاف جنسیتی عظیمی در خانوارهای با سرپرستی زن در ایران وجود دارد. خصوصاً این شکاف بین سال‌های مورد بررسی بیشتر شده و لزوم توجه به آن و برنامه‌ریزی در جهت رفع مسائل زنان سرپرست را متذکر می‌شود. یافته‌ها حکایت از آن دارد که هم‌زمان بی‌سواد و عدم اشتغال در میان زنان سرپرست خانوار بسیار زیاد است البته بین دو سال مورد بررسی این میزان‌ها دچار کاهش شده و بر میزان باسوادان و شاغلان افزوده شده است. در رابطه با وضعیت زناشویی شاهد افزایش میزان زنان سرپرست خانوار مطلقه و هرگز ازدواج نکرده هستیم و از جهت محل سکونت، بر خانوارهای زن سرپرست شهری افزوده شده است.

واژگان کلیدی: زنان سرپرست خانوار، تحصیلات، شغل، شکاف جنسیتی.

* کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه شیراز (salehifar_1365@yahoo.com)

** دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران (Marezabru@yahoo.com)

روند تک فرزندی در ۱۵ سال گذشته در ایران با تاکید بر نسبت جنسی بر اساس داده های سرشماری سالهای ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

فریده خلیج آبادی فراهانی*

شهلا کاظمی پور**

چکیده

مطالعه حاضر با هدف تعیین روند تک فرزندی در بین زنان ۴۰ سال به بالا (تعداد یک فرزند در قید حیات در زمانی که نزدیک به پایان دوره باروری هستند) از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ به تفکیک گروه های سنی پنج ساله (۴۰-۴۹، ۴۵-۵۰ سال)، تعیین تغییرات نسبت جنسی تک فرزندان در بین زنان ۴۰ سال به بالا و مقایسه با نسبت جنسی فرزندان زنان دارای دو فرزند و بیش از دو فرزندی، و در نهایت بررسی نقش تحصیلات و اشتغال بر رفتار تک فرزندی در زنان ۴۰ ساله و بیشتر طراحی شده است. با استفاده از داده های تفصیلی سرشماری سال ۱۳۷۵ (در برخی تحلیل ها)، و داده های ۲ درصد سرشماری های سالهای ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ این بررسی صورت گرفت، بطوریکه نسبت زنان ۴۰ سال به بالای دارای همسر که فقط یک فرزند در قید حیات دارند، برآورد شده و در سرشماری های مختلف مقایسه شد. همچنین نسبت جنسی فرزندان این گروه از زنان در سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ محاسبه و با نسبت جنسی فرزندان در زمانی که دو فرزند و زمانی که بیش از دو فرزند مقایسه شده است. نتایج نشان می دهد، در بین زنان ۴۰ سال به بالا، تک فرزندی از ۳/۹ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۵/۶ درصد در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته (۱/۴ برابر). همچنین در بین زنان ۴۰-۴۹ ساله که تقریباً "شانس باروری در آنها کاهش می یابد، تک فرزندی در سرشماریهای ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به ترتیب برابر است با ۵/۱، ۵/۳ و ۱۲/۳ درصد که رشد قابل ملاحظه ای را نشان میدهد. این میزان در بین زنان سنین ۴۵-۴۹ ساله از ۲/۱ درصد در سال ۱۳۷۵، به ۴/۲ درصد در سال ۱۳۸۵ و ۶/۷ درصد در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است و این درصد در بین زنان ۵۰ سال به بالا در سالهای ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ نیز به ترتیب عبارت است از ۲/۲، ۳/۳ و ۳/۹ درصد. در زنان سنین ۵۵ به بالا در سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵، تک فرزندی روند افزایشی پیدا میکند که می تواند بعلاوه از دست دادن فرزندان و کاهش تعداد فرزند به یک فرزند باشد و کمتر معرف باروری افراد است. نتایج این بررسی بیانگر یک انتقال و شیفت زمانی در آوردن فرزند دوم به سنین بالاتر در سالهای اخیر باشد که می تواند ناشی از افزایش سن ازدواج زنان و دوره کوتاه جبران باروری در آنها باشد. یافته مهم دیگر این است که نسبت جنسی در تک فرزندان زنان ۴۰ سال به بالای همسر دار در سال های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به ترتیب برابر ۱۳۶ و ۱۲۱ می باشد، در حالیکه نسبت جنسی فرزندان در زنان بالای ۴۰ سال دارای دو فرزند در سالهای ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به ترتیب برابر ۱۲۱ و ۱۰۷ بوده و نسبت جنسی فرزندان در زمانی که بیش از دو فرزند دارند به ترتیب عبارت است از ۱۰۳ و ۱۰۱ است. که به مراتب از ارقام مربوط به تک فرزندان در همین بازه سنی کمتر است. لذا به نظر می رسد برنامه های جمعیتی بیشتر نیازمند در نظر گرفتن مشوق هایی برای افراد برای جلوگیری از تاخیر در تولد فرزند دوم بوده و نیازمند فرهنگ سازی برای تاکید بر ارزش فرزند دختر، بازنگری برخی قوانین و پیشگیری از گسترش مداخلات پرستل پزشکی و بهداشتی در تعیین جنسیت قبل از لقاح، در طول بارداری و ترویج عدالت جنسیتی برای جلوگیری از به هم خوردن تعادل نسبت جنسی در جامعه می باشد.

واژگان کلیدی: تک فرزندی، نسبت جنسی، تحصیلات، اشتغال، سرشماری.

*دکتر، استادیار، موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور f.Farahani@psri.ac.ir faridehfarahani@yahoo.com

**دکتر، دانشیار جمعیت شناسی skazemipour@gmail.com

شواهد تازه درباره افزایش زمان به تأخیر انداختن فرزندآوری و عوامل مرتبط با آن در شهر تهران

امیر عرفانی*

چکیده

داده‌های موجود در باره روند تغییرات در زمانبندی فرزند اول و عوامل موثر بر آن در ایران بسیار محدود است. این پژوهش با استفاده از داده‌های سه پیمایش نیت باروری تهران (۱۳۹۱)، باروری تهران (۱۳۸۸)، و جمعیت و سلامت (۱۳۷۹) روند تغییرات در زمانبندی فرزند اول را بررسی می‌کند. برای مطالعه عوامل تأثیر گذار بر طول زمان فاصله گذاری فرزند اول از مدل‌ها رگرسیونی تحلیل بقا کاکس و داده‌های پیمایش نیت باروری شهر تهران استفاده می‌شود. این پیمایش در تابستان ۱۳۹۱، توسط نویسنده، در نمونه‌ای بالغ بر ۲۲۶۷ نفر از زنان متاهل ۱۵-۳۵ ساله و مردان دارای همسر زیر ۳۶ سال ساکن مناطق ۲۲ گانه‌ی شهر تهران اجرا شد. یافته‌های اولیه نشان می‌دهد که طی دوازده سال گذشته فاصله گذاری برای فرزند اول از ۲۹ ماه در سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۸ به ۳۵ ماه در سال ۱۳۹۱ در میان زنان متاهل ۱۵-۳۵ ساله تهرانی افزایش یافته است. یافته‌های چند متغیره حاکی است که دارندگان دیپلم و تحصیلات دانشگاهی، زنانی که قبل از تولد فرزند اول شاغل بودند و از وسایل مدرن و یا سستی پیشگیری از بارداری استفاده می‌کردند، و ساکنین مناطق بالای شهر تهران، در مقایسه با سایر زنان، فرزندآوری را بسیار دیرتر آغاز می‌کنند. از آنجا که تأخیر در فرزندآوری با سطح باروری و رشد جمعیت رابطه معکوس دارد، آگاهی از یافته‌های این پژوهش برای سیاستگذاری‌های جمعیتی مرتبط با سطوح باروری پایین در ایران از اهمیت به سزایی برخوردار است.

واژگان کلیدی: تأخیر در فرزندآوری، رگرسیون تحلیل بقا، سطح باروری، تهران.

* - دانشیار جمعیت‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه نیپسینگ، کانادا amire@nipissingu.ca

بررسی تحولات باروری شهرستان اشنویه و تاثیر عوامل جمعیتی و اجتماعی موثر بر آن

زینب کاوه فیروز*

بیژن زارع**

صلاح‌الدین هادی***

چکیده

هدف این تحقیق بررسی روند باروری شهرستان اشنویه و تعیین‌کننده‌های جمعیتی اجتماعی موثر بر میزان‌های باروری این شهرستان می‌باشد. با استفاده از روش پیمایشی با تکنیک پرسشنامه، ۴۰۰ زن ازدواج کرده دارای همسر ۴۹-۱۵ ساله واقع در شهرستان اشنویه با نمونه‌گیری چند مرحله طبقه‌ای مورد سوال قرار گرفتند. متغیرهای جمعیتی اجتماعی مورد استفاده برای تبیین باروری شهرستان اشنویه عبارتند از: سن زن در اولین فرزندآوری، سن زن در اولین ازدواج، استفاده از وسایل تنظیم خانواده و پایگاه اقتصادی اجتماعی. نتایج بررسی داده‌های سرشماری باروری نشان داد که این شهرستان در مقایسه با استان آذربایجان غربی و کل کشور، ابتدا در سال ۱۳۶۵ روند باروری مشابهی داشته، اما از دهه‌های بعد، این شهرستان در مقایسه با استان دارای افت ولی در مقایسه با کل کشور میزان باروری بالاتری را تجربه کرده است. نتایج آزمون فرضیات نشان داد که همه متغیرهای جمعیتی اجتماعی مورد بررسی در تبیین باروری این شهرستان موثر بوده و عبارتی همه فرضیات تحقیق به لحاظ آماری مورد تایید قرار گرفتند. در بین متغیرهای مورد بررسی، متغیرهای پایگاه اقتصادی اجتماعی، سن زن - در اولین فرزندآوری و استفاده از وسایل تنظیم خانواده به ترتیب دارای بالاترین ضریب همبستگی با میزان باروری این شهرستان بوده‌اند. تحلیل مدل رگرسیونی نشان داد که متغیرهای جمعیتی مورد بررسی در حدود ۵۱ درصد از تغییرات میزان باروری در شهرستان اشنویه را تبیین می‌کند. با استفاده از نتایج تحلیل مسیر، متغیر پایگاه اقتصادی اجتماعی با ضریب بتای ۰/۲۴۹ دارای بیشترین اثر غیرمستقیم و متغیر سن زن در اولین ازدواج با ضریب بتای ۰/۴۵۶ - دارای بیشترین تاثیر مستقیم در میزان باروری زنان شهرستان اشنویه بوده و در نهایت اثر کل (مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم) متغیر سن زن در اولین فرزندآوری با ضریب بتای ۰/۳۵۷ - از همه متغیرهای دیگر بیشتر بوده است. عبارت دیگر متغیر سن زن در اولین فرزندآوری، در این بررسی بعنوان مهمترین پیش‌بینی‌کننده در تبیین رفتار باروری زنان شهرستان اشنویه شناخته شد.

واژگان کلیدی: بررسی تحولات باروری، تعیین‌کننده‌های جمعیتی اجتماعی، زنان ۱۵ تا ۴۹ ساله، شهرستان اشنویه.

*استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی

**استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی.

***کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه خوارزمی salahaldinhadi@yahoo.com

بررسی مطالعه‌ی تطبیقی باروری افتراقی در دو استان سیستان و بلوچستان و کردستان در سال ۱۳۹۰

سیدمحسن سعیدی مدنی*

علی اشرف پیری**

حامد کریمی***

چکیده

تحلیل گران جمعیتی بر این باورند که پویایی الگوهای باروری در ایران حول سه محور عمده‌ی قومیت، مذهب و شرایط اقتصادی - اجتماعی می‌چرخد. هدف از این مقاله، بررسی تطبیقی باروری افتراقی بین دو استان سیستان و بلوچستان و کردستان و عوامل مؤثر بر آن جهت دستیابی به یک چارچوب تحلیلی می‌باشد. در نتیجه، در تحقیق حاضر در پی پاسخ به سوال ذیل می‌باشیم: با توجه به اینکه دو استان مذکور اکثراً سنی مذهب می‌باشند، چه عواملی باعث تفاوت فرهنگی باروری در میان آنها شده است؟ روش تحقیق مورد استفاده ترکیبی از تحلیل ثانوی و روش اسنادی است. داده‌های جمعیت آماری مورد مطالعه نیز از آمارهای موجود در سایت مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰، جمع‌آوری شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میزان تحصیلات، میزان اشتغال، میزان شهرنشینی، نسبت طلاق به ازدواج و میانگین سن در اولین ازدواج در استان کردستان نسبت به استان سیستان و بلوچستان در سطح بالاتری قرار دارد که باعث شده است باروری کل در استان کردستان پایین‌تر از حد جایگزینی و در سیستان و بلوچستان بالاتر از حد جایگزینی باشد. همچنین پیش‌روی ازدواج در سیستان بالاتر از کردستان بوده که خود می‌تواند بیانگر باروری بالا در سیستان و بلوچستان باشد. بر این اساس، می‌توان گفت گرچه این دو استان سنی مذهب می‌باشند، اما صرفاً مذهب نمی‌تواند باعث کاهش یا افزایش باروری در میان آنان باشد، اما آن چه مشخص است تأثیرات فرهنگی اخذ شده از سوی کشورهای همجوار پاکستان و افغانستان و عراق و ترکیه می‌باشد.

واژگان کلیدی: باروری، عوامل جمعیتی، عوامل اقتصادی - اجتماعی، فرهنگ، مذهب.

m.saeidi@yazduni.ac.ir

ali67.piri@yahoo.com

h.karimi1717@yahoo.com

*دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه یزد

**دانشجوی کارشناسی ارشد جمعیت شناسی دانشگاه یزد

***دانشجوی کارشناسی ارشد جمعیت شناسی دانشگاه یزد

زمان وقوع تولد اولین فرزند در تهران

محمد جلال عباسی شوازی*

حجیه بی بی رازقی نصرآباد**

فاطمه ترابی***

چکیده

هدف از این مقاله شناخت زمان وقوع تولد اولین فرزند، بعنوان اولین نتیجه باروری و یکی از مراحل اساسی در مسیر زندگی افراد است. داده‌های مورد نیاز برای این مطالعه با رویکردی کیفی و بکارگیری مصاحبه عمیق با ۳۰ زن ازدواج کرده ۴۹-۲۰ ساله در شهر تهران در سال ۱۳۹۰ جمع‌آوری گردید. بر اساس یافته‌های این مطالعه، زنان فرزند اول خود را با تاخیر به دنیا می‌آورند و فاصله ازدواج تا تولد اول ۳/۷ سال است. تاخیر در تولد اولین فرزند در میان زنانی که در سنین ۳۰-۲۰ سال هستند و در دهه ۱۳۶۰ به بعد متولد شده‌اند، بیشتر معمول است، تاخیر ارتباط زیادی با سن ازدواج، تمایل زنان برای افزایش تحصیلات، منابع مالی کمتر زوجین جوان و تلاش برای افزایش کیفیت خانواده و فرزندان دارد. یافته‌های مطالعه نشان داد زنان تمایلی برای تاخیر طولانی ندارند. دلایل آنها برای عدم تمایل به تاخیر بیشتر، دو بعد عاطفی و اجتماعی دارد. بعد عاطفی آن به نیاز عاطفی و عشق به فرزند مربوط می‌شود. بعد اجتماعی تحت تاثیر مکانیزمهای کنترل اجتماعی نظیر ترس از نابارور شدن و انگ نابارور بودن و عدم پذیرش و تایید توسط دیگران است که بطور غیرمستقیم مانع از تاخیر بیشتر می‌شود.

واژگان کلیدی: ازدواج، اولین فرزند، تاخیر تولد اول، مطالعه کیفی، تهران.

* استاد گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران، و محقق در موسسه مطالعات اجتماعی و جمعیتی، دانشگاه ملی استرا لیا. mabbasi@ut.ac.ir

** نویسنده مسوول، استادیار مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور hrnrazeghi@yahoo.com

*** استادیار جمعیت‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران Fatemeh_torabi@ut.ac.ir

کاربرد مدل زمان شکست شتابیده در تحلیل عوامل تأثیرگذار بر فاصله تولد:

مطالعه موردی شهرستان اهواز

عبدالرحمن راسخ*

محمدرضا آخوند**

رویا چرمزاده***

چکیده

مطالعه و پژوهش در حوزه باروری به‌ویژه از زمانی که وضعیت بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع دچار تحول شده اهمیت زیادی پیدا کرده است. نقش باروری به عنوان مهم‌ترین پدیده تعیین‌کننده نوسانات جمعیتی سبب شده که مطالعات مربوط به آن نسبت به سایر پدیده‌های جمعیتی از اهمیت قابل‌توجهی برخوردار باشد. یکی از روش‌های مطالعه تغییرات موجود در باروری که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است، بررسی فاصله تولدها می‌باشد. هدف مطالعه حاضر، بررسی فاصله تولدها و عوامل موثر بر آن در شهر اهواز با استفاده از مدل زمان شکست شتابیده است. نتایج حاصل نشان می‌دهند که قومیت، استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری، وضعیت تولد فرزند و مدت زمان تغذیه نوزاد با شیر مادر از مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار روی فاصله تولدها می‌باشند.

واژگان کلیدی: باروری، فاصله تولد، داده‌های بقا، مدل زمان شکست شتابیده.

* هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز Rasekh_a@scu.ac.ir

** عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز Mr.Akhoond@scu.ac.ir

*** دانشجوی کارشناسی ارشد رشته آمار اقتصادی و اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز Royachoromzadeh@yahoo.com

باروری و کارهای بدون مزد خانگی: تحلیلی دو سطحی از تعیین‌کننده‌های کار بدون مزد زنان در ایران

محمود قاضی طباطبائی*،
نادر مهری**

چکیده

در این تحقیق سعی شده است با تحلیلی دو سطحی بتوان زوایای نوینی از ارتباط بین باروری (تعداد فرزندان وابسته) و کار بدون مزد خانگی روشن شود. داده‌های مورد استفاده در این پژوهش داده‌های پیمایش گذران وقت است که در سالهای ۱۳۸۷-۱۳۸۸ و در چهار فصل متمادی در مناطق شهری کشور توسط مرکز آمار ایران به اجرا درآمده است. در سطح اول، متغیرهای کار مزدی، سن و وضعیت ازدواج زنان و در سطح دوم از متغیرهای متوسط میزان کار بدون مزد مردان در خانواده، تعداد فرزندان وابسته (زیر ۵ سال) و تعداد لوازم خانگی موجود در خانه به عنوان متغیرهای مستقل و از متوسط کار بدون مزد خانگی زنان در خانوار و ضریب رگرسیونی کارمزدی بر میزان کار غیرمزدی زنان به عنوان متغیرهای وابسته استفاده شد. نتایج مربوط به مدل رگرسیونی در سطح اول نشان می‌دهد تاثیر کار مزدی زنان و وضعیت ازدواج آنان بر میزان کار بدون مزد خانگی آنان معنادار و تاثیر سن بر آن غیرمعنادار است. کارمزدی زنان رابطه معکوسی با کار بدون مزد آنان دارد و ضریب رگرسیونی تولید شده در این زمینه -0.3 می‌باشد که رابطه معناداری با کار بدون مزد زنان دارد. نتایج مربوط به اثرگذاری متغیرهای تحقیق در سطح دوم نیز نشان می‌دهد که کار بدون مزد مردان در خانوار، تعداد فرزندان وابسته و تعداد لوازم خانگی که زن در خانه از آن برخوردار است همگی رابطه معناداری با متوسط کار بدون مزد خانگی زن در خانه دارند. در این خصوص رابطه دو متغیر اول مستقیم و رابطه متغیر سوم معکوس می‌باشد. عبارت دیگر با افزایش میزان کار بدون مزد مردان در خانوار و تعداد فرزندان وابسته بر میزان کار بدون مزد خانگی زن نیز افزوده می‌شود اما هرچه تعداد لوازم خانگی در خانه بیشتر باشد از متوسط مدت زمان کار بدون مزد خانگی نیز کاسته می‌شود. تاثیر تعداد فرزندان وابسته از دو متغیر دیگر بسیار بیشتر و بزرگتر می‌باشد، بطوریکه ضریب رگرسیونی استاندارد نشده در این خصوص 26 می‌باشد.

نکته جالب توجه در نتایج مربوط به اثرگذاری متغیرهای سطح دوم آنست که تمامی متغیرهای مستقل در این سطح هنگامیکه اثرگذاری کارمزدی زنان بر کار بدون مزد آنان به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شود، منفی می‌شوند اما از میان این متغیرها تنها تعداد فرزندان وابسته است که به لحاظ آماری معنادار است. عبارت دیگر افزایش در تعداد فرزندان وابسته سبب می‌شود از شدت تاثیر گذاری کارمزدی بر کار بدون مزد زنان کاسته شود اما کار بدون مزد مردان و تعداد لوازم خانگی موجود در منزل نیز قادر نیست اثر گذاری کار مزدی بر کار بدون مزد را کاهش دهد. این نتایج نشان می‌دهد که تعداد فرزندان وابسته در خانواده متغیر مهمی است که قادر است اثرگذاری کارمزدی بر کار بدون مزد را تعدیل نموده و آن را به طرز معناداری کاهش دهد. این متغیر در سطح دوم رقیب جدی کارمزدی در افزایش یا کاهش کار بدون مزد زنان است.

واژگان کلیدی: باروری، کار بدون مزد خانگی، پیمایش گذران وقت، ایران، تحلیل دو سطحی.

smghazi@ut.ac.ir

*دانشیار و مدیر گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران

**دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران nader.mehri@yahoo.com

روایت ناباروران ارادی از فرزندآوری: مطالعه‌ای پدیدارشناختی

محمد امین کنعانی*

سیده معصومه شادمنفعت**

مهدی حمیدی فر***

چکیده

ادراک و فهم انسان‌ها نسبت به پدیده‌های مرتبط با خود متفاوت و گوناگون است. یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر گوناگونی ادراکات و ایده‌های آدمی، فرهنگ و انتظارات برخاسته از آن است. باروری و فرزندآوری جایگاه خاصی در فرهنگ عامه ایران داشته است. اما به نظر می‌رسد که این فرهنگ در میان برخی از زوجین جوان در حال حاضر معکوس شده و ناباروری ارادی حداقل تا چند سال پس از ازدواج به یکی از ارزش‌های این زوجین تبدیل شده است. توجه به ایده‌ها و تصمیمات زوجین در انتخاب ناباروری و روایت افراد از معنای فرزند و فرزندآوری می‌تواند کاهش چشمگیر در باروری‌ها را توضیح داده و افق جدیدی را در این زمینه باز کند. در این مقاله سعی شده است تا معنای فرزندآوری به روایت ناباروران ارادی در شهر رشت که پایین‌ترین میزان‌های باروری را در کشور دارد، بررسی گردد. پژوهش حاضر مطالعه‌ای کیفی و توصیفی با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی است. تکنیک مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه عمیق با زوجین نابارور ارادی در شهر رشت و روش نمونه‌گیری از نوع هدفمند همراه با استفاده از تکنیک گلوله برفی بوده است که در حجم نمونه ۱۳ نفری به اشباع نظری رسیده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن هستند که مردان کمتر از زنان فرزندآوری را ضروری و لازم می‌دانند و معتقدند که زندگی زناشویی بدون فرزند هم دارای ثبات و آرامش خواهد بود. هم‌چنین فرزندآوری را در هر شرایطی نمی‌پذیرند و اولویت‌های دیگر را مهم‌تر می‌دانند. اما زنان نابارور ارادی یکدست نیستند بلکه دو گروه هستند: گروه اول، هم‌چون مردان تمایل چندانی به فرزندآوری ندارند و حتی بچه‌دار شدن را مانعی برای خود و یا زندگی زناشویی می‌دانند. گروه دوم با وجود این که به سختی‌های فرزندآوری اشاره می‌کنند اما آن را لازمه به کمال رسیدن یک زن و کامل شدن خانواده می‌دانند. اگرچه سه نوع دیدگاه و ایده سنتی، مدرن و بینابین نسبت به فرزند و فرزندآوری در بین ناباروران ارادی قابل مشاهده است ولی تشابهات زیادی نیز بین آنها وجود دارد؛ از جمله در مورد ارزش فرزند و در عین حال لزوم اندک بودن تعداد فرزندان. تفاوت‌ها و شباهت‌ها را می‌توان بر حسب جنسیت نیز مشاهده کرد. مردان نگرشی مدرن‌تر و فردگرایانه‌تر نسبت به فرزندآوری دارند. ولی اغلب زنان بیشتر تحت تأثیر فرهنگ مادرانه سنتی نسبت به فرزندآوری قرار داشته و ناباروری خود را پاسخی به خواسته همسران خود روایت می‌کنند که ریشه در فرهنگ مردسالارانه و تبعیت زنان از مردان دارد.

واژگان کلیدی: ناباروری ارادی، پدیدارشناسی، فرزندآوری

*دکتری، جامعه‌شناسی، دانشگاه گیلان، aminkanani@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه گیلان

*** دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه گیلان

برآورد باروری استانهای مازندران، گلستان و گیلان به وسیله روش نسبت P/F در سال ۱۳۹۰ (با تأکید بر نقاط شهری و روستایی)

ربابه اشکاران*

چکیده

در سال‌های اخیر، باروری در ایران، در کلیه استان‌ها و مناطق شهری و روستایی به طور محسوسی کاهش یافته است. نقص فاحش و آشکار داده‌های مستقیم زاد و ولد، استفاده از روشهای غیرمستقیم برآورد باروری را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. روش P/F، که به روش براس شهرت بیشتری دارد، یکی از کارآمدترین و رایجترین روشهای برآورد باروری می‌باشد. همچنین بررسی‌های مختلف نشان داده‌اند که، در شرایط کاهش باروری، شاخص‌های نسلی و مقطعی باروری، به سرعت از هم دور می‌شوند. این نتایج سبب شد تا کنجکاو شویم که تفاوت به وجود آمده در دو شاخص، نتایج روش براس را که بر مقایسه آن دو استوار است، متأثر نمی‌سازد؟ قصد ما این است که ضمن کاربرد این روش برای مقطع زمانی ۱۳۹۰ مسأله مورد بحث خود را - با تأکید بر سه استان مازندران، گلستان و گیلان - طرح کنیم. مطالعه حاضر از نوع تحلیل ثانویه و از آمار سرشماری سال ۱۳۹۰ بهره گرفته است. نتایج حاکی از آن بوده که میزان باروری کل (TFR) به عنوان خلاصه نتایج برای استان‌های مازندران، گلستان و گیلان به ترتیب ۱/۴۸، ۱/۸۷ و ۱/۳۴ و معلوم شد کاربرد این روش به بیش‌برآوردی حدود ۰/۴۹، ۰/۰۷ و ۰/۴۴ درصد در TFR منجر گردیده است، که در این میان استان مازندران از بالاترین میزان بیش‌برآوردی و در مقابل استان گلستان از پایین‌ترین میزان بیش‌برآوردی برخوردار بوده است.

واژگان کلیدی: باروری، متوسط شمار زنده‌زایی، میزان باروری ویژه سنی، باروری تراکمی، میزان باروری تصحیح شده.

بررسی اهمیت تحصیل پس از ازدواج و نقش آن در تأخیر در اولین فرزندآوری در زنان در شرف ازدواج: مطالعه موردی شهرستان نیشابور

زهرا شاه آبادی*

حسن سرایی**

فریده خلیج آبادی فراهانی***

چکیده

هدف این مقاله، تعیین نقش نگرش نسبت به تحصیلات و تصمیم به ادامه تحصیل در تأخیر در اولین فرزندآوری در بین زنان در شرف ازدواج شهرستان نیشابور می باشد. روش تحقیق: این مقاله بر اساس یک پیمایش بر روی ۴۱۵ نفر از زنان در شرف ازدواج ۱۰ تا ۳۹ ساله در شهرستان نیشابور می باشد که برای انجام آزمایشات قبل از ازدواج در آبان و آذر ماه سال ۱۳۹۲ (از ۶ آبان تا ۷ آذر) به آزمایشگاه مرجع سلامت شهرستان نیشابور مراجعه نموده بودند و ازدواج اول آنها بود، انجام و در مدت مذکور پوشش کامل داده شدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه‌ای ساخت یافته است. متغیر وابسته قصد فاصله گذاری از ازدواج تا تولد فرزند اول، متغیر مستقل نگرش نسبت به تحصیلات و قصد ادامه تحصیل و متغیرهای مخدوش کننده عبارتند از مقیاس های نگرشی و برخی متغیرهای جمعیتی شناسی.

نتایج: میانگین سن کل افراد شرکت کننده در مطالعه ۲۰.۷ سال است. طیف سنی افراد نیز بین ۱۰ تا ۳۹ سال متغیر می باشد. از تعداد ۴۱۵ نفر پاسخگوی مورد نظر، ۷۱.۸ درصد (۲۹۸ نفر) در خصوص تعداد فرزندانی که می خواهند در آینده داشته باشند تصمیم خود را گرفته اند. از مجموع ۲۹۸ پاسخگو، بیشتر از ۵۲ درصد قصد دارند که به فاصله کمتر از سه سال پس از ازدواج فرزند اول خود را به دنیا آورند. و نزدیک به ۳۰ درصد نیز فاصله سه تا چهار سال را مناسب دانسته اند و تنها کمتر از ۱۸ درصد این افراد قصد دارند که فرزندآوری خود را بیشتر از پنج سال به تعویق اندازند. تحلیل رگرسیون خطی نشان داد که با کنترل اثر متغیرهای جمعیتی سن، محل سکونت، وضعیت فعالیت، تعداد فرزندان خانواده پدری، تصمیم به اشتغال، دوعامل نگرش نسبت به اهمیت فرزندآوری ($\text{Coefficient } b = 0.315$) و تصمیم به ادامه تحصیل ($\text{Coefficient } b = 0.134$)، تعیین کننده های اصلی قصد فاصله گذاری اولین فرزند می باشند. این مدل ۲۲٪ از تغییرات قصد فاصله گذاری را می تواند توضیح دهد ($\text{Adjusted R Square} = 0.219$). در واقع این مدل رگرسیونی می تواند نشانگر این باشد که زنان به علت تحصیلات اولین بارداری خود را به تأخیر می اندازند. با استفاده از تحلیل مسیر نیز اثرات مستقیم و غیر مستقیم عوامل مؤثر بر قصد فاصله گذاری از ازدواج تا تولد محاسبه گردید.

نتیجه گیری: نگرش زنان نسبت به تحصیلات و تصمیم آنها درخصوص ادامه تحصیل پس از ازدواج بعنوان یک متغیر مهم و تأثیرگذار بر قصد فاصله گذاری از ازدواج تا تولد فرزند اول می تواند در برنامه ریزی ها مورد توجه قرار گیرد. چرا که نگرش مثبت زنان نسبت به تحصیلات و تصمیم آنها برای ادامه تحصیل پس از ازدواج به رقم سن پایین ازدواج در جامعه ی مورد بررسی، رفتار باروری را از طریق فاصله گذاری بین ازدواج تا تولد فرزند اول تحت تأثیر قرار می دهد. به عبارتی تداخل بوجود آمده بین تحصیلات زنان و باروری آنها معمولاً با فاصله انداختن از ازدواج تا تولد فرزند اول پاسخ داده می شود که این پاسخ مستقیماً بر میزان و رفتار باروری جامعه مورد نظر اثر می گذارد. بنابراین سیاست های جمعیتی اگر بتوانند برنامه هایی را اجرایی کنند که موجب سازگاری نقش مادری با ادامه تحصیلات زنان پس از ازدواج شود می توانند بسیار مؤثرتر باشند.

واژگان کلیدی: باروری زیر سطح جانشینی، نگرش نسبت به تحصیلات، قصد ادامه تحصیل، تأخیر در اولین فرزندآوری، زنان در شرف ازدواج

* دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته جمعیت شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی. shahabadizahra@yahoo.com

** دکترای جامعه شناسی، استاد دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی. hsaraie@yahoo.com

*** دکترای بهداشت باروری، استادیار مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور. faridehfarahani@yahoo.com

بررسی تحولات فرزندآوری در ابعاد گوناگون اجتماعی، جمعیتی براساس سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

علی اکبر محزون*

چکیده

در این مقاله به بررسی وضعیت فرزندآوری زنان حداقل یکبار ازدواج کرده با استفاده از داده‌های نمونه‌ای منتشر شده توسط مرکز آمار ایران از افراد و خانوارهای سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ (۳۴۵.۷۹۹ خانوار و ۱.۳۶۷.۳۱۰ فرد) و ۱۳۹۰ (۴۲۳.۶۳۷ خانوار و ۱.۴۸۱.۵۸۶ فرد) که نمونه‌هایی نمایا برای این منظور در سطح «کل کشور» می‌باشند پرداخته شده است. برای این منظور، پس از طی مراحل اولیه در خصوص آماده‌سازی داده‌ها و کدگذاری‌های لازم، وضعیت تعداد کل فرزندان زنده به دنیا آورده توسط زنانی که حداقل یکبار ازدواج کرده‌اند (زنان دارای همسر، بدون همسر در اثر فوت و بدون همسر در اثر طلاق)، در ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است. این ابعاد برای وضعیت فرزندآوری عبارتند از: «بررسی تغییرات در طول زمان بین دو سرشماری»، «بررسی مکانی در سطح کل کشور، نقاط شهری و نقاط روستایی»، «بررسی در زنان دو گروه جمعیتی متفاوت یعنی متولدین قبل از ۱۳۵۰ و بعد از ۱۳۵۰ شمسی»، «بررسی برحسب سطوح استاندارد تحصیلی زنان»، «بررسی در اقشار شغلی-اجتماعی جامعه شامل: اقشار بالا، قشر متوسط جدید، قشر متوسط سنتی و اقشار کارگری و پایین».

در ادامه، با تعریف دو شاخص کلیدی یعنی به دنیا آوردن حداکثر یک فرزند (شامل بدون فرزند و تک‌فرزند) به عنوان شاخصی از «تمایل به کم‌فرزندی» (البته با ملاحظه زوجین تازه ازدواج کرده) و به دنیا آوردن حداقل سه فرزند به عنوان شاخصی از «تمایل به فرزند بیشتر» به بررسی وضعیت این دو شاخص در گروه‌های مختلف جامعه پرداخته شده است. براساس نتایج به دست آمده در این بررسی، تمایل به فرزند کمتر در فاصله بین دو سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ بیشتر شده، در نقاط شهری بیشتر از نقاط روستایی است، در نسل‌های جدیدتر (متولدین بعد از ۱۳۵۰) به شدت افزایش یافته به طوری که با ملاحظات مربوط به زوجین تازه ازدواج کرده نیز همچنان تفاوت چشمگیر خواهد بود، با بالا رفتن سطح تحصیلات زنان افزایش پیدا نموده و در اقشار شغلی-اجتماعی به ترتیب برای قشر متوسط جدید، اقشار کارگری و پایین و اقشار بالا بیشتر از قشر متوسط سنتی است. در مقابل، تمایل به فرزند بیشتر نیز عکس نتایج به دست آمده‌ی فوق می‌باشد.

واژگان کلیدی: فرزندآوری، قشربندی شغلی-اجتماعی، قشربندی اجتماعی، فرزندان زنده به دنیا آورده

* -دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت سازمان ثبت احوال کشور

aamahzoon@yahoo.com و a.mahzoon@sabteahval.ir

بررسی نگرش و ایده‌آل‌های زنان به باروری و تعداد فرزندان مطلوب: مطالعه موردی زنان ۴۹-۱۵ ساله مناطق ۲۲گانه شهر تهران

علی حاتمی*

رضا عسکری مقدم**

سمیرا جبارنژاد***

چکیده

تغییرات جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی ایران در نیم قرن اخیر مسائل و چالش‌های متعددی را در حیطه جمعیت و توسعه به همراه داشته است. متعاقب آن، نظرات و راه‌حل‌های متعدد و گاه متخالفی پیرامون موضوع ارایه شده است. صرف نظر از بازگویی این موارد، هدف اصلی این پژوهش اطلاع دقیق از وضع موجود است. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف شناسایی دیدگاه زنان ۱۵ تا ۴۹ ساله نسبت به باروری و بعد مطلوب خانوار در پی آن است تا نگرش مهمترین جزء کنش باروری را مورد بررسی قرار داده و پشتوانه‌ای تجربی را برای نظریه پردازان و دست‌مایه‌ای را برای طراحان و برنامه‌ریزان فراهم آورد. این پژوهش با رویکرد کمی و به روش پیمایش در جمعیتی ۳۸۴ نفری از زنان ۱۵ تا ۴۹ ساله تهرانی و با تاکید بر باور عامه‌ی "فرزند کمتر، زندگی بهتر" به انجام رسیده است. به دور از هرگونه ارزش‌گذاری یافته‌ها موید این نکته است که در مجموع ۸۲.۴ درصد زنان با شعار "فرزند کمتر، زندگی بهتر" همچنان موافق و در مقابل حدود ۱۱ درصد مخالف بوده‌اند. میانگین مطلوب فرزندان نیز ۱.۸۳ فرزند برای هر زن بوده و حدود ۶۶ درصد زنان خواهان یک الی دو فرزند و حدود ۱۸ درصد نیز خواهان سه فرزند و بیشتر بوده‌اند. این درحالی است که حدود ۷ درصد زنان زندگی بدون فرزند را می‌پسندند. دیگر یافته‌ها نشان می‌دهد که متغیرهایی نظیر نوع رسانه مورد استفاده، تعداد فرزندان موجود، سطح توسعه یافتگی منطقه محل سکونت، میزان رضایت از هدفمندی یارانه و نگرش به آینده اقتصادی کشور را می‌توان از مهمترین متغیرهای همبسته با نگرش زنان به رفتار باروری و تعداد فرزندان مطلوب دانست. به عنوان نتیجه گیری کلی می‌توان گفت نگرش زنان تهرانی به تعداد فرزندان ایده‌آل نسبت به گذشته تغییر کرده و عمدتاً این مطلوبیت عددی نزدیک به ۲ فرزند را نشان می‌دهد. بر این اساس اتخاذ هرگونه سیاست تشویقی در این زمینه، نیازمند سیاستگذاری همراه با برنامه‌ریزی علمی در جهت تغییر نگرش زنان به فرزندآوری و باروری است.

واژگان کلیدی: باروری، فرزندآوری، تعداد فرزندان موجود، تعداد فرزندان مطلوب، سیاست‌های تشویقی، رسانه.

* عضو هیئت علمی پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی Alihatami80@gmail.com

** عضو هیئت علمی پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی Askari@icas.ir

*** کارشناس ارشد مطالعات زنان و کارشناس پژوهش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری s.jabarnejad@gmail.com

بررسی سازگاری زوجین و تأثیر آن در الگوی فرزندآوری شهر تهران

علیرضا ساجدی*

مجید تقی خان تجریشی**

سید رضا معینی***

چکیده

هدف از این مقاله شناسایی عوامل سازگاری زوجین و تأثیر آن در الگوی فرزندآوری است. روش تحقیق پیمایشی بوده و جامعه آماری شامل افرادی است که صاحب فرزند شده‌اند و برای دریافت شناسنامه به ادارات ثبت احوال تهران (مهر ماه سال ۱۳۹۲) مراجعه نموده‌اند. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۲۵۹ نفر محاسبه و نمونه‌ای آماری به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه بندی (شمال، مرکز و جنوب تهران) با استفاده از تخصیص متناسب انتخاب شده است. در این تحقیق برای تحلیل آماری از آزمون‌های کای دو و تحلیل عاملی استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین میانگین سن ازدواج زن و میانگین سن مادر در اولین فرزند در سه منطقه‌ی مورد بررسی اختلاف قابل توجهی وجود دارد. همچنین میزان توافق بین زن و مرد در مورد فاصله ازدواج تا اولین فرزند، در مورد باردار شدن و تولد این فرزند، در مورد تعداد فرزندان و در مورد جنس فرزندان به تفکیک سه منطقه‌ی مورد بررسی در تهران (شمال، مرکز و جنوب) یکسان نبوده است. گراهام اسپنیر و اریک فیلسینگر چهار عامل مهم ابراز دلبستگی، اجماع زوجین، رضایت زوجین و وحدت زوجین را به عنوان چهار عامل سازگاری زوجین عنوان نموده‌اند. در این تحقیق با استفاده از تحلیل عاملی نشان داده شده است که ابراز دلبستگی تأثیر ۲۷ درصدی، اجماع زوجین تأثیر ۱۸ درصدی و رضایت زوجین تأثیر ۱۳ درصدی در فرزندآوری زوجین در شهر تهران داشته است. متغیرهای ابراز دلبستگی کلامی و غیر کلامی، سازگاری در رابطه‌ی جنسی و رضایت از رابطه‌ی زناشویی به عنوان عامل ابراز دلبستگی، متغیرهای سازگاری در امور اجتماعی، سازگاری در امور فرهنگی و مذهبی و سازگاری در اتخاذ تصمیمات مهم به عنوان عامل اجماع زوجین، متغیرهای عدم ایجاد دعوا و عصبانیت و پشیمانی از ازدواج به عنوان عامل رضایت زوجین و متغیرهای وجود بحث آرام، میزان وحدت در فعالیت‌های مشترک و میزان موفقیت در ایفای نقش به عنوان همسر به عنوان عامل وحدت زوجین معرفی شده‌اند.

واژگان کلیدی: سازگاری زوجین، ابراز دلبستگی، اجماع زوجین، رضایت زوجین، وحدت زوجین، فرزندآوری.

* کارشناس دفتر آمار اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال و دانشجوی دکتری آمار mail: ali_sa54@yhoo.com

** کارشناس سازمان ثبت احوال و کارشناس ارشد جمعیت شناسی

*** عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز

بررسی تطبیقی ایده‌آل باروری زنان همسردار و دختران شهر شیراز

فاطمه روستا*

علی‌یار احمدی**

آمنه پورزمان***

زینب محمدی‌زاده منصورخانی****

چکیده

هم‌سو با تغییر در ایستارهای مربوط به زندگی خانوادگی، تغییر در اندیشه و تعداد مطلوب فرزندان نقشی تعیین کننده در روندهای جمعیتی دارد. در این مطالعه، تلاش می‌شود تعیین‌کننده‌های ایده‌آل باروری زنان، به تفکیک وضعیت تاهل آنان تحلیل شود. بنابراین سؤال اصلی پژوهش، این است که آیا ایده‌آل باروری زنان همسردار با تعداد مطلوب فرزند از نظر دختران متفاوت است؟ روش تحقیق، پیمایش و با استفاده از ابزار پرسشنامه است. حجم نمونه ۳۹۲ نفر از زنان سنین باروری شهر شیراز می‌باشد که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و فرمول کوکران به دست آمده است. نتایج مطالعه حاکی از تفاوت ایده‌آل باروری دختران و زنان همسردار است. همچنین رابطه‌ی معناداری بین سن، هویت طبقاتی و ایده‌آل باروری دختران وجود دارد. در بین زنان همسردار نیز، ایده‌آل‌ها متأثر از سن، تحصیلات و وضعیت اشتغال است. در این میان تحصیلات و شاغل بودن، تأثیری منفی بر تعداد مطلوب فرزند داشته است. نتایج رگرسیون چند متغیره به شیوه همزمان نشان داد که در بین دختران، سن و در بین زنان همسردار، تحصیلات مهمترین متغیرهای تأثیرگذار بر ایده‌آل‌هاست. براساس نتایج به دست آمده، علی‌رغم اشاعه ارزش‌ها و هنجارهای پایین ایده‌آل باروری در بین زنان، تفاوت اندکی در تعداد مطلوب فرزند زنان همسردار و دختران وجود دارد.

واژگان کلیدی: باروری ایده‌آل، زنان همسردار، دختران، شیراز.

*کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه شیراز fatemehroosta.1390@gmail.com

**استادیار جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز

***کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه شیراز.

بررسی مقایسه‌ای نگرش دانشجویان پسر دانشگاه خوارزمی و طلبه‌های مرد حوزه علمیه کرج نسبت به برنامه‌های جمعیت و تنظیم خانواده با توجه به عوامل اجتماعی- فرهنگی

قربانعلی سبکتکین ریزی*

ابراهیم آقایانی**

یاسر بهرامی***

چکیده

در گفتمان تغییر دیدگاه‌ها و سیاست‌های جمعیتی اخیر ایران، کنکاش و مطالعه درباره نگرش اقشار و ی‌رگروه‌های مختلف جمعیتی نسبت به برنامه‌های جمعیت و تنظیم خانواده حائز اهمیت بوده و در جهت‌گیری مباحث جمعیتی اطلاع‌بخش و کمک‌کننده خواهد بود. پژوهش حاضر با هدف بررسی مقایسه‌ای نگرش دانشجویان پسر دانشگاه خوارزمی و طلبه‌های مرد حوزه علمیه کرج نسبت به برنامه‌های تنظیم خانواده با توجه به عوامل اجتماعی و فرهنگی انجام شده است. چارچوب نظری مطالعه ترکیبی از نظریه‌های کنش اجتماعی پارسونز و نظریه مبادله امرسون است. این مطالعه به روش پیمایشی انجام گرفته و داده‌های تحقیق به وسیله پرسشنامه محقق‌ساخته از ۲۰۰ نفر دانشجو و ۲۰۰ نفر طلبه در شهر کرج جمع‌آوری شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در شرایط فعلی نگرش دانشجویان نسبت به افزایش جمعیت چندان مثبت نیست، اما طلبه‌های حوزه علمیه نسبت به افزایش جمعیت نگرش مثبت‌تری دارند. همچنین، در بررسی فرضیات تحقیق مشخص شد که بین نگرش هر دو گروه از پاسخگویان نسبت به افزایش جمعیت و عواملی چون محل تحصیل، قومیت، ترجیح جنسی، ارزش‌های دینی، نگرش مردسالارانه، آگاهی از موضوع، تعداد فرزندان خانواده پدری، سن، و میزان بهره‌مندی از رسانه‌های گروهی با شدت و ضعف رابطه معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: تنظیم خانواده، کنش اجتماعی، نگرش، دانشجو، طلبه.

*استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی تهران: saboktakin_faz@yahoo.com

**دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی تهران: ebiaghaei15@gmail.com

***دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی تهران: yaserbahrami24@gmail.com

بررسی جلوه‌های گذار جمعیتی دوم بر کاهش باروری ایران

لیلا مختار زاده*

زهرا سلطانی چم حیدری**

فریده شمس قهفرخی***

چکیده

شاید بتوان کاهش چشمگیر سطح باروری در طول دهه‌های گذشته را مهم‌ترین تغییر جمعیت‌شناختی در بسیاری از مناطق دنیا دانست؛ ایران نیز از این تغییر و تحولات باروری بی‌نصیب نمانده و در کمتر از سه دهه از سطوح بالای باروری به سطح باروری زیر نرخ جانشینی رسیده است. بهترین توصیف از چرایی و چگونگی وضعیت باروری جدید از تئوری گذار جمعیتی دوم به دست می‌آید. با استفاده از گذار جمعیتی دوم می‌توان به خوبی توضیح داد که چگونه تغییر و تحولاتی نظیر افزایش تمایل به مجرد و تک‌زیستی، کاهش میزان ازدواج، افزایش سن در اولین ازدواج، افزایش طلاق و... زمینه‌ساز به تعویق انداختن فرزندآوری، بالا رفتن سن والدین شدن و در نهایت کاهش باروری تا میزان‌های زیر نرخ جانشینی را در پی داشته است. با وجود آنکه بررسی‌های نظری متعددی تاکنون درباره گذار جمعیتی در ایران صورت گرفته، کمتر به بررسی جزئیات مربوط به گذار جمعیتی دوم در ایران پرداخته شده است. همین امر انگیزه‌ای را فراهم آورد تا بر اساس داده‌های موجود، جلوه‌هایی از گذار جمعیتی دوم را که موجب کاهش باروری ایران شده است، مورد بررسی قرار دهیم. جلوه‌هایی چون تأخیر در فرزندآوری، فاصله‌گذاری بین موالید و بالا رفتن سن والدین شدن و نیز تأثیر متغیرهایی چون پایگاه اجتماعی-فرهنگی، وضعیت شغلی، محل سکونت و تحصیلات افراد که در کم رنگ شدن یا پر رنگ شدن جلوه‌های گذار جمعیتی دوم اثر خواهد گذاشت، از مواردی هستند که در این مقاله مورد توجه قرار گرفته‌اند. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش، تحلیل ثانویه است که بر روی داده‌هایی نمونه خام ۲٪ سرشماری سال ۱۳۸۵ ایران (گردآوری شده توسط مرکز آمار ایران) اعمال می‌شود. روش جمعیت‌شناسی به کار رفته در این پژوهش روش "برآورد چندمتغیری میزان باروری کل و اجزای آن بر اساس میزان پیشرفت موالید" است.

واژگان کلیدی

گذار جمعیتی دوم، میزان پیشرفت موالید، بازسازی تاریخچه موالید، برآورد چندمتغیری، رویکرد MCA

* کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی، Lmokhtarzade1361@gmail.com

** کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی، zrsoltani@gmail.com

*** کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی، fshamsghahfarokhi@yahoo.com

بررسی تطبیقی برآوردهای میزان کل باروری استان‌های کشور ۹۰-۱۳۸۵ به روش‌های غیرمستقیم و مطالعه عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر بر باروری بر اساس داده‌های سرشماری ۱۳۹۰

* محمد شیری

** علیرضا زاهدیان

*** طه نوراللهی

**** محمدرضا نوربخش

چکیده

تحولات باروری و برآورد سطح و روند آن، یکی از محوری‌ترین موضوعات در مطالعات جمعیتی بشمار می‌رود. از ابتدای نیمه دوم قرن بیستم به این‌سو، احساس نیاز به تعدیل پیامدهای رشد انفجاری جمعیت، مطالعه باروری و همبسته‌های اقتصادی و اجتماعی آن را در کشورهای در حال توسعه به موضوعی مهم برای سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و جمعیت‌شناسان تبدیل نمود. ایران در چند دهه اخیر تحولات چشمگیری در باروری تجربه کرده است؛ روند باروری تا دهه ۱۳۴۰ نسبتاً ثابت و در حد بالایی بوده و از نیمه دوم دهه ۱۳۴۰ با شروع برنامه‌های تنظیم خانواده در آستانه انتقال قرار گرفت و تا نیمه دهه ۱۳۵۰ کاهش اندکی یافت. همزمان با انقلاب، میزان‌های باروری تا حدودی افزایش یافت، اما بعد از مدت کوتاهی از میانه دهه ۱۳۶۰ شروع به کاهش نمود. سرعت کاهش باروری و مسیر دستیابی آن به سطح جایگزینی و حتی پایین‌تر از آن در نیمه دوم دهه ۱۳۶۰ و دهه ۱۳۷۰ چشمگیر بوده به طوری که میزان کل باروری به سطح زیر جانشینی و به ۱٫۸ فرزند در سال ۱۳۹۰ رسیده است. تحولات سریع باروری، استمرار باروری زیر جانشینی و نقش آن در تغییر ساختار سنی، توجه سیاست‌گذاران به پویایی مؤلفه‌های جمعیتی بالاخص باروری بیش از پیش جلب نموده است. دستیابی به برآوردهای دقیق و بدون اریب از شاخص میزان باروری کل و توجه به شاخص باروری (متوسط زنده‌زایی) به تفکیک متغیرهای اقتصادی و اجتماعی از پیش‌زمینه‌های شناختی در سیاست‌گذاری در زمینه باروری به شمار می‌رود.

هدف این مقاله، مقایسه تطبیقی برآوردهای میزان باروری کل با تکیه بر روش‌های غیرمستقیم باروری در سال ۱۳۹۰ به تفکیک استان‌های کشور و مطالعه عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر در باروری است. به منظور نیل به این هدف از داده‌های سرشماری ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران استفاده شده است. میزان باروری کل کشور و استان‌ها با تکیه بر روش‌های رله، فرزندان خود، گانسکران، نسبت P/F و پالمور برآورد شده است. متوسط زنده‌زایی نیز به تفکیک وضع فعالیت، وضعیت سواد، سن و خاستگاه سکونت (شهری، روستایی) مورد مطالعه قرار گرفته است.

نتایج حاکی از این است که تفاوت‌های قابل توجهی در میزان باروری محاسبه شده به روش‌های مختلف است. این میزان‌های از الگوی متفاوتی در سطح استان‌های کشور برخوردار است. همچنین نتایج بررسی نقش عوامل اقتصادی و اجتماعی در متوسط زنده‌زایی نشان داد که متوسط زنده‌زایی در بین زنان خانه دار در مقایسه با زنان تحصیل کرده، شاغل و بیکار در سطح بالاتری قرار دارد. زنان باسواد در مقایسه با زنان بی‌سواد از سطح متوسط زنده‌زایی پایین‌تری برخوردارند.

واژگان کلیدی: باروری، روش‌های برآورد غیرمستقیم، روش گانسکران، روش فرزندان خود، روش رله، روش پالمور

* عضو گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی پژوهشکده آمار mshiri@src.ac.ir

** رئیس پژوهشکده آمار azahedian@src.ac.ir

*** مشاور رئیس مرکز آمار ایران makannoor@yahoo.com

**** دانشجوی دکتری آمار noorstat@yahoo.com

بررسی روابط زوجین در خانواده با نگاهی به مفهوم خانواده ی دموکراتیک مطالعه موردی: زنان متأهل شهر سبزوار

شفیعه قدرتی*

چکیده

هدف از این مقاله بررسی روابط بین زوجین در خانواده با عطف توجه به مفهوم خانواده ی دموکراتیک براساس نظر آنتونی گیدنز است. بر اساس این نظریه ویژگی های تساوی، ارتباط و اعتماد ضرورت های یک خانواده ی دموکراتیک است. همین ویژگی ها در این پژوهش مورد سنجش قرار گرفت. داده ها با استفاده از تکنیک پرسشنامه و به صورت تصادفی و با روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای از ۴۰۰ زن متأهل در فاصله سنی ۱۸ تا ۴۵ سال جمع آوری شد. نتایج آزمون همبستگی نشان داد که بین متغیرهای مستقل سن زن، مدت ازدواج و درآمد شوهر با متغیر وابسته میزان دموکراتیک بودن خانواده رابطه معنی دار و معکوس وجود دارد. بدین معنی که با افزایش این متغیرها از میزان دموکراتیک بودن خانواده کاسته می شود. همچنین میان متغیرهای مستقل تحصیلات مرد، تحصیلات زن، تحصیلات پدر و مادر زن با متغیر وابسته رابطه معنی دار و مستقیم وجود دارد به این معنی که با افزایش این متغیرها، روابط زوجین دموکراتیک تر می شود. این یافته ها نشان می دهد که متغیر تحصیلات تأثیر زیادی در شکل گیری خانواده های دموکراتیک دارد و به موازات نوسازی جامعه در میان سنین جوان تر بیشتر شاهد این امر هستیم تا سنین بالاتر.

واژگان کلیدی: خانواده دموکراتیک، روابط زوجین، دموکراسی عاطفی، سبزوار.

تأثیر تحولات خانواده بر روابط بین نسلی در شهر مهاباد

سینا احمدی*

سید فهیم ایران دوست**

چکیده

خانواده‌ی ایرانی همانند سایر نهادهای اجتماعی در خلال صد و پنجاه سال اخیر که فرآیند مدرنیزاسیون جریان داشته است، در حال تغییر بوده است. حساسیت‌هایی که نسبت به خانواده وجود دارد، افراد را نسبت به تحولات خانواده حساس می‌سازد. تحول خانواده به معنای تحول در سرنوشت همه افراد است. پیامدهای تحول خانواده، دامنگیر تمامی ارکان جامعه و حوزه‌های مختلف آن می‌شود. در خانواده‌هایی که دچار تغییر و تحول می‌شوند، شرایط به گونه‌ای دگرگون می‌شوند که دیگر نسل گذشته، مدل مناسبی برای زندگی نسل بعد نمی‌تواند باشد و هردو نسل می‌پذیرند که وضع زندگی آنها نمی‌تواند مثل هم باشد و روابط بین نسلی دچار تغییر می‌شود. بنابراین هر یک از دو نسل در دنیایی متفاوت زندگی می‌کنند و این به نوبه خود باعث بروز مسائل و مشکلات و تغییرات در خانواده می‌شود. این موضوع به عنوان شکاف نسلی مطرح است که به معنای وجود تفاوت‌های دانشی، گرایشی و رفتاری میان دو نسل با وجود پیوستگی‌های کلان متأثر از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است.

براین اساس و به علت اهمیت روابط درون خانوادگی میان والدین و فرزندان توجه به مقوله‌ی روابط نسلی و مخصوصاً شکاف نسلی از اهمیت شایانی برخوردار است. در این راستا در تحقیق حاضر سعی شده تا با بررسی میزان تحولات خانواده در شهر مهاباد به تأثیر این تحولات بر شکاف نسلی و بالعکس در جامعه‌ی مورد بررسی پرداخته شود.

واژگان کلیدی: خانواده، شکاف نسلی، نهادهای اجتماعی، روابط بین نسلی، مهاباد.

* دانشجوی دکترای سلامت و رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران، sinaahmadi25@gmail.com

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، پژوهشگر آزاد، fahim.irandost@gmail.com

بررسی مقایسه‌ای وضعیت اقتصادی خانوارهای تک والد و دو والد و عوامل جمعیتی-اجتماعی مؤثر بر آن در ایران

فریده شمس قهفرخی*

زهرا شمس قهفرخی**

محمدرضا قاسمی***

مهری شمس قهفرخی****

چکیده

تعداد خانوارهای تک والد به طور جهانی افزایش یافته است، ایران نیز از این مقوله مستثنا نیست. داده‌های آماری ایران حاکی از روند افزایشی تعداد و نسبت خانوارهای تک والد در دهه‌های اخیر است. با افزایش مرگ و میر مردان جوان در کشور که عمدتاً در نتیجه‌ی افزایش مرگ در اثر تصادفات جاده‌ای می‌باشد و همچنین افزایش میزان طلاق در بین زوجین، روند افزایشی خانوارهای تک والد به ویژه خانوارهای تک والد زن تبدیل به یکی از موضوعات مهم در سال‌های اخیر در ایران شده است.

با توجه به اهمیت خانواده و نقش سرپرست خانوار در تأمین نیازهای اصلی اعضای آن از یک سو و وجود تبعیض‌های جنسیتی و محدودیت‌های حقوقی و نابرابری‌ها در بیشتر زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی از سویی دیگر، بررسی ویژگی‌های جمعیتی و اجتماعی مؤثر بر وضعیت اقتصادی خانوارهای تک والد ضرورت می‌یابد. این ضرورت بیش از هر چیز از این زاویه که ویژگی‌های مزبور می‌تواند بر توانایی و امکانات در تأمین نیازهای اعضای خانوار تأثیرگذار باشد نمایان می‌گردد.

این پژوهش با استفاده از داده‌های خام نمونه ۲٪ سرشماری سال ۱۳۸۵ و سال ۱۳۹۰، در پی بررسی مقایسه‌ای وضعیت اقتصادی خانوارهای تک والد (مادر یا پدر) و دو والد (پدر و مادر با هم) و عوامل جمعیتی-اجتماعی مؤثر بر آن می‌باشد. منظور از عوامل جمعیتی و اجتماعی، عواملی همچون، سن، بعد خانوار، محل سکونت و تحصیلات و اشتغال والدین می‌باشد و وضعیت اقتصادی با توجه به میزان برخورداری و امکانات خانوارها سنجیده خواهد شد.

واژگان کلیدی: تک والد زن، تک والد مرد، سرپرست خانوار

* فارغ التحصیل کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی fshamsghahfarokhi@yahoo.com

** کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه آزاد قوچان

*** کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه آزاد قوچان r.ghasemi23@yahoo.com

**** دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران mehri_shams2001@yahoo.com

بررسی تغییرات نسبت حمایت خانوادگی جمعیت ایران دوره ۹۰-۱۳۳۵

محمدرضا برومند زاده*

علی یار احمدی**

چکیده

با توجه به ماهیت عاطفی روابط خانوادگی و مفاهیم درونی شده پشتیبانی از اعضای خانواده، تجزیه و تحلیل جمعیتی از مقوله نسبت‌های حمایت از سالمندان فراتر رفته است. یک روش جایگزین می‌تواند نسبت Caretaker یا نسبت حمایت خانوادگی باشد که شاخصی را نشان می‌دهد که وضعیت یک نسل به نسل دیگر را در خانواده تبیین می‌کند. نسبت حمایت خانوادگی، نسبت جمعیت ۸۰ سال و بالاتر که به احتمال زیاد به مراقبت بلندمدت و حمایت اقتصادی نیاز دارند را به زنان سنین ۵۰ تا ۶۴ سال نشان می‌دهد. روندهای ساختار سنی جمعیت ایران در سال‌های اخیر نشان‌دهنده افزایش نسبت جمعیت سالخورده است. به طوری که جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر از ۳٪ در سال ۱۳۶۵ به ۵.۷٪ در سال ۱۳۹۰ رسیده است. این تغییرات ضرورت توجه به ساختار خانوار در بستر گذار جمعیتی را نشان می‌دهد. سؤال اساسی این است که آیا به همراه افزایش نسبت‌های سالخوردگی، مراقبت‌کنندگان بالقوه سالمندان با توجه به تغییرات ساختار سنی تغییر کرده و در آینده به صورتی می‌باشد که بتواند به لحاظ جمعیتی پشتوانه مراقبتی فراهم کند؟ یکی از شاخص‌هایی که میزان مراقبت‌های بالقوه برای سالمندان را نشان می‌دهد شاخص نسبت حمایت خانوادگی می‌باشد. در این پژوهش روندهای سالخوردگی جمعیت از سرشماری ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ مورد بررسی قرار گرفته سپس تغییرات شاخص نسب حمایت خانوادگی در جمعیت کل کشور محاسبه گشته و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج کلی مطالعه نشان می‌دهد که شاخص مراقبت در کل کشور دچار تغییرات اساسی شده است و با توجه به افزایش تعداد سالمندان در کشور شاهد کاهش تعداد زنان سنین ۵۰ تا ۶۴ سال به عنوان حامیان بالقوه سالمندان نسبت به جمعیت بالاتر از ۸۰ سال هستیم.

واژگان کلیدی: انتقال جمعیت‌شناسی، سالخوردگی، مراقبت، حمایت خانوادگی، Caretaker Ratio

* دانشجوی دکتری رشته جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران Marezabru@yahoo.com

** استادیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز Ahmadi_78@yahoo.com

بررسی هم نوایی سنی زوجین و ارتباط آن با میزان های طلاق در استان فارس طی سال های ۹۰-۱۳۸۴

افشان جوادى*

على يار احمدى**

فريبا ستارى***

سميه حسانى***

چکیده

تفاوت سنی در آمادگی بیولوژیکی بین زنان و مردان، خود می تواند تفاوت سنی زوجین را موجب شود. همچنین قواعد اجتماعی ناظر بر ازدواج نیز می توانند در افزایش یا کاهش اختلاف سنی زوجین تأثیرگذار باشند. تفاوت سنی زوجین می تواند ثبات رابطه ی زناشویی را تحت تأثیر قرار دهد. این مطالعه با هدف بررسی احتمال طلاق در زوج هایی که با هم گروه های سنی خود، گروه های سنی کوچکتر و گروه های سنی بزرگتر از خود ازدواج کرده اند در استان فارس انجام می پذیرد. در این مطالعه از داده های توزیع سنی زوجین در زمان ازدواج و طلاق سالنامه ثبت احوال استان فارس در سالهای ۱۳۸۳ الی ۱۳۹۰ استفاده گردیده است. نتایج نشان می دهد در مواردی که مردان با زنان کوچکتر از خود ازدواج نموده اند، بیشترین احتمال وقوع طلاق در بین مردان گروه های سنی ۳۹-۳۵، ۴۴-۴۰ و ۵۹-۵۵ سال و کمترین احتمال وقوع طلاق در مردان گروه سنی کمتر از ۱۹ سال می باشد. در مواردی که مردان با زنان هم گروه سنی خود ازدواج نموده اند، بالاترین احتمال طلاق در مردان گروه های سنی کمتر از ۱۹ سال و ۲۴-۲۰ سال و کمترین احتمال وقوع طلاق در مردان گروه سنی ۵۹-۵۵ و ۳۹-۳۵ سال می باشد. همچنین در مردانی که با زنان گروه های سنی بالاتر از خود ازدواج نموده اند، بیشترین احتمال طلاق در مردان گروه های سنی کمتر از ۱۹ سال و کمترین احتمال وقوع طلاق در مردان ۴۴-۴۰ سال می باشد. نتیجه گیری: تا حدود زیادی زوج های ازدواج کرده در بین سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ از هم نوایی سنی بالایی برخوردار هستند. زمانی که سن مردان افزایش پیدا می کند گرایش به ازدواج با دخترانی که بسیار از آنان کوچکتر هستند افزایش پیدا می کند. این پدیده علاوه بر اینکه باعث افزایش احتمال طلاق می شود، احتمال اینکه دختران ازدواج نکرده نسل های ۵۵ تا ۶۵ مجرد بمانند را نیز افزایش می دهد.

واژگان کلیدی: ازدواج و طلاق، تفاوت سنی زوجین، استان فارس.

* کارشناس ارشد جمعیت شناسی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز (afshanjavadi@yahoo.com)

** استادیار جمعیت شناسی دانشگاه شیراز (Ahmadi_78@yahoo.com)

*** کارشناس آمار، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

بررسی پویایی ازدواج و طلاق در ایران با تاکید بر سرشماری سال ۱۳۹۰

جعفر کردزنگنه*

چکیده

وضعیت زناشویی و الگوی ازدواج و طلاق به عنوان یکی از عوامل مرتبط با ترکیب و ساخت جمعیت در طول تاریخ تغییرات مستمری داشته و اشکال و انواع مختلفی پیدا کرده است. در این مقاله با استفاده از اطلاعات سرشماری در سال‌های مختلف تحولات وضعیت زناشویی و طلاق مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این مطالعه نشان داد که متوسط سن ازدواج زنان در ایران طی ۴۵ سال گذشته با تحول چشمگیری مواجه بوده و از رقم ۱۸/۴ در سال ۱۳۴۵ به ۲۳/۳ سال در سال ۱۳۹۰ رسیده است در صورتی که سن متوسط ازدواج مردان ۱/۷ سال افزایش داشته (از ۲۵ سال به ۲۶/۷ سال) رسیده است. مقایسه میزان عمومیت ازدواج مردان و زنان نشان داد که این نسبت برای زنان طی ۴۵ سال از ۹۹/۲ به ۹۷/۲ درصد کاهش یافته در حالی که این میزان برای مردان از ۹۸/۵ به ۹۸/۲ درصد کاهش یافته است. اگر این روند همچنان ادامه یابد می‌توان انتظار داشت که در سرشماری سال ۱۳۹۵ عمومیت ازدواج مردان تا ۱ درصد از زنان فاصله بگیرد.

بررسی نسبت درصد مردان و زنان در گروه سنی ۱۹-۱۵ و ۲۴-۲۰ ساله نیز نشان داد که ازدواج دختران در این سنین در دو دهه اخیر به سرعت کاهش یافته است. در مجموع می‌توان گفت که جامعه ما طی دهه‌های گذشته انتقال میانگین سن ازدواج به ویژه زنان و تغییر در ترکیب جنسی افراد ازدواج نکرده را تجربه نموده است.

واژگان کلیدی: وضعیت زناشویی، متوسط سن ازدواج، عمومیت ازدواج.

* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور j.kordzanganeh@gmail.com

عوامل موثر بر تمایل و اقدام به طلاق در زنان در شرف طلاق در شهر اهواز

محسن شکریانی*

محمد شکفته گوهری**

سحر مجتهدزاده***

چکیده

خانواده به عنوان کوچکترین واحد اجتماعی، پایه و اساس ساخت اجتماعی محسوب می‌شود. با توجه به اینکه خانواده و ثبات آن از اهمیت والایی در جامعه برخوردار است، بی‌ثباتی و از هم گسیختن خانواده به عنوان کوچکترین و مهمترین نهاد تشکیل جامعه می‌تواند نقطه شروع بی‌نظمی و تزلزل جامعه باشد. طلاق یکی از شایع‌ترین و بارزترین مصادیق آسیب‌های اجتماعی است که صاحب نظران و محققان در زمینه‌های جمعیت‌شناختی، روانشناختی، حقوقی و جامعه‌شناختی به بررسی ابعاد مختلف آن علاقه مند می‌باشند. در تحقیق حاضر ما بر آن شدیم تا عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی موثر بر پدیده طلاق را در میان متقاضیان به طلاق که در پاییز و زمستان سال ۱۳۸۹ به یکی از شعبات دادگاهی طلاق در شهرستان اهواز مراجعه کرده بودند را بررسی کنیم. از یک نمونه ۱۶۵ نفری زن متقاضی طلاق طی یک مطالعه میدانی مقطعی خواسته شد تا پرسشنامه‌های مطالعه را تکمیل نمایند. نتایج تحلیل چند متغیره نشان می‌دهد که عواملی نظیر برآورده نشدن انتظارات زوجین از یکدیگر، دخالت دیگران در زندگی خصوصی زوجین، دینداری، فردگرایی، فشار مالی، طول مدت زندگی مشترک، محرومیت نسبی، اعتیاد زوجین، خشونت، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، و اختلاف سنی زوجین به طور معناداری تمایل به طلاق را تحت تاثیر قرار می‌دهد. از این رو، این مقاله با بیان ارتباط میان متغیرهای مختلف با پدیده‌ی طلاق، پیچیدگی و چندبعدی بودن طلاق را محرز می‌کند.

واژگان کلیدی: طلاق، دینداری، فردگرایی، محرومیت نسبی، پایگاه اجتماعی و اقتصادی.

* دانشجوی کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران، mshokryani92@ut.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران، mohammad.gohari@ut.ac.ir

*** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه اهواز

بررسی رابطه انسجام خانواده و کیفیت زندگی در ایران: مطالعه موردی کلان شهر تهران

نادر مطیع حق شناس*

خدیجه کاویانی**

نوشین متصدی زاده بافقی***

چکیده

کیفیت زندگی مهمترین چیزی است که در زندگی از اهمیت زیادی برخوردار است. بسیاری از جوامع با اندازه گیری و مقایسه کیفیت زندگی در سطوح ملی، منطقه ای و حتی بین المللی توانسته اند تصاویر گویا و عینی از موقعیت و شرایط زندگی در جوامع خود را به دست دهند و بدان وسیله زمینه را برای مطالعات بیشتر و جامع تر فراهم آورند. برخورداری از کیفیت زندگی ضعیف می تواند بر روی ارتباطات خانوادگی اثر گذارد؛ کیفیت زندگی ضعیف می تواند موجب به کارگیری مکانیسم های مقابله و سازگاری ناموثر در افراد شده و متعاقباً موجب افزایش تنش در آنان گردد و افزایش تنش در ارتباط مستقیم با عوامل فیزیکی و جسمی بوده و باعث بیماری در افراد می شود. در سال ۱۹۹۰ افرادی چون مورهاوس و دوران تای معتقد بودند که باید تحقیقات بین رشته ای در خصوص کیفیت زندگی صورت گیرد. چارچوب نظری مطالعه بر محوریت نظریه سیستمی السون استوار است.

هدف اصلی این پژوهش، بررسی ارتباط انسجام خانواده و کیفیت زندگی در کلان شهر تهران است. روش تحقیق پیمایشی و در سال ۱۳۹۱ انجام شده است. شیوه نمونه گیری تصادفی ساده بوده و تعداد ۴۰۰ خانوار متاهل ساکن در شهر تهران انتخاب و مورد پرسش قرار گرفتند. در این تحقیق متغیر وابسته کیفیت زندگی و متغیر مستقل انسجام خانواده است که متغیرهایی همچون روابط عاطفی، احترام متقابل، وقت گذاشتن برای یکدیگر با متغیرهای واسط همانند سن، سطح تحصیلات، بعدخانوار، مدت زمان زناشویی می توانند بر کیفیت زندگی که شامل شاخص های چون شغل، مسکن، میزان درآمد و رضایت از زندگی، اثرگذار باشند. بررسی ویژگی های جمعیت شناختی پاسخگویان نشان داد میانگین سنی جمعیت مورد مطالعه ۴۵ سال، بعد خانوار واحدهای مورد بررسی بین ۲ تا ۷ نفر متغیر و تعداد فرزندان آنها بین ۱ تا ۵ بوده و شغل آنها اکثراً کارمند و خانه دار بوده است. اکثر پاسخگویان، دارای مدرک دیپلم بودند. ۷۵ درصد خانه شخصی و بقیه اجاره ای داشتند. درآمد و هزینه اکثر آنها بین ۵۰۰ هزار تا ۲ میلیون تومان بوده است. میانگین مدت زمان ازدواج آنها ۲۶ سال بوده است. مدت زمانی که صرف همسرشان می کردند به اندازه لازم بوده (تا حدودی) است. اکثراً هفته ای یکبار یا حداقل ماهی یکبار به نزدیکان سر می زنند. با همکاران، روابط دوستانه و عاطفی دارند. اکثراً از زندگی مادی خود رضایت دارند ولی میزان رضایت عاطفی کمتر است. حدود ۷۶ درصد پاسخگویان سالم هستند. دو شاخص انسجام خانواده و کیفیت زندگی ساخته شده که حدود ۵۱ درصد انسجام خانواده خود را متوسط و ۴۱ درصد کم ارزیابی کردند. ۶۱٫۶ درصد کیفیت زندگی خود را متوسط و ۲۱٫۹ درصد کم ارزیابی کردند. این درصدها ممکن است مربوط به برخی از ویژگی های فردی شهروندان تهرانی در پرهیز از اعلام رضایت کامل باشد. نتایج آزمون فرضیه نشان می دهد که بین کیفیت زندگی و انسجام خانواده رابطه معناداری وجود داشته و فرضیه تحقیق را تایید می کند. این امر، نیاز به ارزیابی سیاستها و برنامه های اجرایی جدیدی در این زمینه توسط مسئولان اجتماعی کشور دارد.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی، انسجام خانواده، روابط اجتماعی و روابط فردی.

* عضو هیأت علمی موسسه مطالعات و پژوهش های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه و دانشجوی دوره دکتری جمعیت شناسی دانشگاه تهران، nmhaghshenas@ut.ac.ir

** پژوهشگر و دانش آموخته پژوهشگری علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور واحد تهران غرب.

*** پژوهشگر و دانش آموخته برنامه ریزی اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

